

درگیری های مسلحانه حزب دموکرات و کومه له به نفع کیست؟

پرونده درگیری های اخیر :

ریشه ها ، شیوه ها ، عملکردها ، اثرات و پی آمدها

در چند ماه اخیر ، وقایع ناگوار و تاسف باری در کردستان ایران اتفاق افتاده است که اثرات منفی خود را بر جنبش حق طلبانه خلق کرد و بطور کلی بر جنبش سیاسی ایران باقی خواهد گذاشت . درگیریهای خونین و سازمان عمده کردستان که در کنار مقاومت مردم محروم و زحمتکش علیه رژیم واپس گرای اسلامی مبارزه می کنند و پی آمدها ایشان وقایع کوچکی نیستند که بتوان بی توجه از کنار آنها گذشت . زد و خورد های مسلحانه حزب دموکرات و کومه له ، پدیده جدیدی نیست و در طی چند سال گذشته ، بطوری که بعدا اشاره خواهیم کرد ، بدفعات بوقوع پیوسته ولی در حال حاضر ، هم بخاطر موقعیت حساس کردستان در جنبش سراسری و هم بخاطر دامنه و گسترش بی سابقه این زد و خورد ها ، بیش از پیش ، شکل فاجعه بخود گرفته است .

قبل از پدید آمدن به دور جدیدی از زد و خورد های مسلحانه که با تهاجم غافلگیرانه حزب دموکرات به کومه له در ۲۵ آبان ۶۳ آغاز گردید و با تاکتیک های نادرست و سیاست های چپ روانه کومه له، عمق و گسترش بیشتری یافت، لازمست نظری گذرا به چند رویداد مهم بیندازیم که مقدم بر آغاز این درگیری هاست :

۱- از اوایل سال ۶۳، در تداوم مخوف ترین سرکوب ها نسبت به مردم کردستان و سازمان های سیاسی آن، در تداوم شدید فشارها و سرکوب ها نسبت به مردم ایران و شکنجه و اعدام اعضا، و هواداران نیروهای سیاسی، حزب دموکرات، مدعی مبارزه برای دموکراسی در ایران، یکبار دیگر، با نمایندگان رژیم فوق ارتجاعی اسلامی و یا بقول خودش با نمایندگان "وحشی ترین و ضد خلقی ترین حکومت های تاریخ بشریت" (۱)، چند بار مذاکره کرد :

"... رفقای حزبی در منطقه مهاباد ابتدا چند نماینده رژیم را

ملاقات نمودند و گفتگوهای کردند. سپس در اوایل مرداد ماه ۶۳

از طرف دفتر [سیاسی حزب] هیأتی رفت و دیداری با آنان بعمل

آورد..." (۲).

و این مذاکرات (برای تحقق آرزوی همیشگی حزب دموکرات در بدست آوردن "خود مختاری" آنها از رژیم ولایت فقیه)، بطوری که از قبل نیز قابل پیش بینی بود، یکبار دیگر، با شکست مواجه شد.

قبل از مذاکرات "اوایل مرداد ۶۳" در "منطقه مهاباد"، صادق طباطبائی در اوایل تیرماه ۶۳، سفر محرمانه ای به پاریس کرد. او در این سفر با مقامات عالی رتبه فرانسوی از جمله با دوتن از نزدیک ترین دوستان و مشاوران فرانسوا میتران یعنی رولان دوما (وزیر کنونی روابط امور خارجی فرانسه که در آن زمان رسماً وزیر امور بازار مشترک اروپا در کابینه فرانسه ولسی در واقع یکی از نزدیک ترین مشاوران امور خارجی میتران بود و برخلاف کلود شسون - وزیر وقت روابط خارجی فرانسه - نسبت به رژیم اسلامی "احساس

۱- به نقل از "پیام کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران بمناسبت دوم بهمن،

سالروز تأسیس جمهوری خود مختار کردستان"، مورخ ۲ بهمن ۱۳۶۳.

۲- از گزارش دفتر سیاسی حزب دموکرات کردستان ایران به پلنوم کمیته مرکزی این

حزب.

تفاهم" می‌کرد) و فرانسوا گروسور (مشاور ویژه الیزه) ملاقات کرد (۳) ۰ در این ملاقات‌ها چه گذشت و چه مباحثی مطرح گردید و چه قول و قرارهایی گذاشته شد، به بحث ما در اینجا ارتباطی پیدا نمی‌کند. اما نکته‌ای در رابطه با سفر محرمانه صادق طباطبائی به پاریس، که به بحث ما در اینجا مربوط می‌شود، خبری است که در همان وقت بدست ما رسیده بود: ملاقات محرمانه نمایندگان خمینی (صادق طباطبائی و یک‌آخوند گویا موسسوی خوئینی‌ها) با دبیر کل حزب دموکرات یعنی دکتر قاسملو که در آن تاریخ (بطور غیر محرمانه) در پاریس بسر می‌برد. این که ملاقات صورت گرفته یا نه و در صورت انجام مسائل مورد بحث و توافقات حاصله چه بوده‌اند، اطلاعی نداریم ولی در صورت دقیق بودن خبر، هم ملاقات دفتر سیاسی حزب دموکرات با نمایندگان رژیم خمینی، در حدود یکماه بعد، یعنی "در اوایل مرداد ۶۳"، در "منطقه مهاباد" و هم آنچه در زیر، در بند هـ ای ۲ و ۳ (مربوط به روابط جدید حزب دموکرات با شورای ملی مقاومت و اولتیماتوم حزب در شهریور ۶۲ به کومه له) می‌آیند بعدی جدید به مسائل مطروحه در این مقاله خواهند داد.

۲- مذاکرات حزب دموکرات با رژیم خمینی (در همان حد اعلام شده توسط حزب دموکرات)، تشنجاتی در روابط حزب با مجاهدین و شورای ملی مقاومت بوجود آورده است. مجاهد شماره ۲۳۶ مورخ ۵/۱۱/۶۳ اعلام کرد: اگر حزب "صراحتاً عدم تجدید هرگونه مذاکرات سیاسی با دشمن را در حال و آینده اعلام" نکند، "خدا حافظی اجتناب ناپذیر" خواهد شد.

قاسملو در مصاحبه‌ای اعلام کرده است که بدستور مجاهدین، شورای ملی

۳- خبر این سفر محرمانه صادق طباطبائی به پاریس و ملاقات او با مقامات عالیرتبه فرانسوی برای اولین بار در نشریه فرانسوی "کانار آشنه" (مورخ ۲۷ ژوئن ۸۴) افشاء گردید. صادق طباطبائی متعاقباً نامه‌ای به "کانار آشنه" نوشت و در این نامه، نه اصل موضوع یعنی سفر محرمانه خود به پاریس بلکه ملاقاتش با مقامات فرانسوی را "تکذیب" کرد. نامه طباطبائی در شماره مورخ ۲۵ ژوئن ۸۴ همسان نشریه، به همراه توضیحات نشریه مبنی بر تأکید مجدد به درستی خبر و ارائه اطلاعات و جزئیات تازه، به چاپ رسید.

مقاومت را ترك نخواهد كرد و به هيچ وجه قصد ترك گفتن آنرا هم ندارد (لوموند ، ۱۵ فوریه ۸۵) .

پرداختن دقيق و همه جانبه به اين مسئله بخاطر اهميت فوق العاده‌اي كه دارد بايد (با روشن تر شدن جنبه هاي گوناگون آن) بطور جداگانه صورت گيرد . اشاره کوتاه فوق نیز فقط در ارتباط با مباحثی است که در اینجا مورد توجه است .

۳- حزب دموکرات در شهریور ۶۳ ، به همراه اعلام اجباری خبر مذاکره با نمایندگان رژیم خمینی (اجباری ، بدلیل این که هم مجاهدین از این مذاکرات مطلع شدند ، هم کومه له و هم برخی دیگر از نیروهای سیاسی) ، يك مطلب مهم دیگر را هم (در کردستان ۹۹) اعلام کرد . و آن ، اولتیماتومی بود که ظاهراً بی مقدمه و بی دلیل به کومه له می داد :

” اگر کومه له با حزب درگیری بوجود آورد و درگیری شود ، حزب ناچار است به سختی با کومه له درگیر شود . حتی صریحاً به کومه له گفته شده است که بوجود آوردن جنگ و درگیری از جانب کومه له در يك منطقه از کردستان موجب بروز يك جنگ سرناسری می شود . . . امید داریم این موضع باعث جلوگیری از درگیری شود ” .

این اولتیماتوم در زمانی داده شد که بقول کومه له در برنامه رادیویی ” حزب کمونیست ایران ” مورخ ۲۳ بهمن ۶۳ (که مورد تکذیب حزب دموکرات قرار نگرفته است) :

مناسبات کومه له و حزب دموکرات در آن هنگام [در زمان اولتیماتوم] عادی ترین و مسالمت آمیزترین دوران خود طی چند سال اخیر را می گذراند ” (۴) .

با این مقدمات برگردیم به دور جدید درگیری های مسلحانه حزب دموکرات و کومه له .



دور جدید درگیری های مسلحانه حزب دموکرات و کومه له در سپیده

۴- به نقل از ” اطلاعیه نمایندگی کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) در خارج از کشور ” ، شماره ۹۰ ، از ۲۱ تا ۲۶ بهمن ۶۳ .

دم روز ۲۵ آبان ۶۳ آغاز می‌گردد (و در اولین روزهای ماه اسفند ، زمانی که این مقاله نوشته می‌شود هنوز متأسفانه ادامه دارد) . پیشمرگه های حزب دموکرات بطور گسترده به پیشمرگه های کومه له حمله می‌کنند و در این حمله ۱۳ پیشمرگه کومه له و سه پیشمرگه حزب دموکرات ، جان خود را از دست می‌دهند . جریان روز ۲۵ آبان به ادعای کومه له (که بخش های اساسی آن مسـوـر تـکذیب حزب دموکرات قرار گرفته) (۵) ، بشرح زیر است :

” ۱- سپیده دم ۲۵ آبان ماه ۶۳ بین ساعت ۶ تا ۶ و ۳۰ دقیقه تعدادی از پیشمرگان کومه له برای روانه کردن چند خانواده که از نوسود به پاوه میرفتند از شهر نوسود خارج میشوند . در محلی بنام ” قلوز ” واقع در ۷۰۰ متری شهر نوسود پیشمرگان حزب دموکرات که قبلاً در آن محل مستقر شده بودند ، راه را بر پیشمرگان کومه له گرفته و به بهانه تفتیش وسائل خانواده ها میگوشتند با ایجاد جوشنج پیشمرگان کومه له را وادار به درگیری سازند . اما وقتی موفق به اینکار نمیشوند خود مستقیماً به پیشمرگان کومه له تیراندازی می‌کنند .

۲- بلافاصله پس از تیراندازی در قلوز پیشمرگان ح . د . بوسیله آر . پی جی و سلاحهای دیگر مقرر کومه له در نوسود را مورد تعرض قرار میدهند که در نتیجه یکی از پیشمرگان بنام ادیس محمدی شهید و پیشمرگ دیگری زخمی میگردد و ۴ پیشمرگ دیگر کومه له نیز به

۵- مراجعه کنید به ” کوردستان ” ، شماره ۱۰۲ : ” رویداد های اورامان ” و نیز به جزوه ” رویداد اسفبار اورامانات و موضع ماجراجویانه کومه له ” ، ” مجموعه گفتاری از رادیوی صدای کردستان ایران ” . در صفحات مختلف این جزوه از جمله در ” چند سؤال در مورد رفتار کومه له ، تاریخ پخش : ۶۳/۹/۱۱ ” ، حزب دموکرات در مورد وقایع ۲۵ آبان چنین ادعا می‌کند :

” . . . وگرنه کومه له غیر از الم شنگه خویش چه سندی جهت ارائه دارد تا نشان دهد که پیشمرگانش آغازگر جنگ اورامانات نبوده اند ؟ کومه له چه دلیلی غیر از فریب و بهتان دارد تا اثبات کند که پیشمرگانش در حین درگیری و در هنگامه نبرد با پیشمرگان حزب به شهادت نرسیده اند ؟ ” (ص ۲۰) .

اسارت گرفته میشوند . مقرر کومه له هم تما ما توسط پیشمرگان حزب دموکرات تصرف میشود و کلیه وسائل داخل آنرا میبرند . در این جریان یکی از پیشمرگان حزب دموکرات زخمی میشود .

۳- پس از تصرف مقرر یکی از پیشمرگان کومه له بنام دارا اسعدی در باغهای نوسود به محاصره تعداد زیادی از پیشمرگان حزب دموکرات در می آید و در حالیکه زخمی بوده است توسط پیشمرگان حزب دموکرات اعدام میگردد .

۴- مابین ساعات ۳ و ۳/۳۰ دقیقه بعد از ظهر تعدادی از مسئولین و پیشمرگان حزب دموکرات ۴ پیشمرگ اسیر کومه له بنامهای طلعه علی رمائی (بیسارانی) ، علی آرمان مشهور به علی فارس ، عبید صوفیه و مد ریک یوسفی مشهور به ریوار پالنگانی را از زندان بیرون آورده و به محلی بنام " دره هرات " در ۵۰۰ متری شمال غرب شهر نوسود میبرند و در آنجا آنها را به رگبار بسته و اعدامشان میکنند .

۵- ساعت ۴ بعد از ظهر تعداد زیادی از پیشمرگان حزب دموکرات به تعقیب پیشمرگان کومه له در باغهای قسمت پائین نوسود پرداخته و آنان را مورد یورش قرار میدهند و درگیری ایجاد میشود در این درگیری یکی از پیشمرگان کومه له بنام بختیار خالیدی که موفق به عقب نشینی نشده و خود را تسلیم پیشمرگان حزب دموکرات نموده بود پس از چند دقیقه در همانجا بدست پیشمرگان حزب دموکرات اعدام میشود . در این درگیری یک تن از پیشمرگان حزب دموکرات نیز بنام عزیز رضانی شهید میشود .

۶- ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه صبح همانروز بدنبال یورش به مقرر کومه له در نوسود پیشمرگان حزب دموکرات در شوشمی نیز در حالیکه از قبل در بلندبها و سر راهها مستقر شده بودند یورش بسوی مقرر کمیته تشکیلات کومه له در اورامان را آغاز میکنند که بد درگیری میانجامد و در نتیجه این درگیری دو پیشمرگ حزب دموکرات بنامهای شروت احمدی و یکنفر دیگر و دو پیشمرگ کومه له بنامهای رحیم اللهی مام حمه باوان شهید میشوند و مقرر کومه له نیز به تصرف پیشمرگان

حزب د موکرات در می آید .

۷- پیشمرگان حزب د موکرات پس از تصرف مقر کمیته کومه له در اورامان تمام وسائل آنرا میبرند و مقر را نیز به آتش میکشند .

۸- در همان ساعات پیشمرگان حزب د موکرات در بلندیهای پشت مقرر کومه له و پیشمرگ کومه له بنامهای نصرالله بهمنی و مسعود احمدی مشهور به توفیق را که مجروح بدستشان میافتند به رگبار بسته و هر دو را اعدام میکنند .

۹- پیشمرگان حزب د موکرات کردستان ایران یک پیشمرگ زخمی کومه له بنام سید علی و یک پیشمرگ پزشکیار کومه له بنام فرح ادمن را که در چادر درمانگاه کومه له در ۲ متری مقر بودند اعدام کرده و چادر درمانگاه را با جنازه های این دو شهید به آتش میکشند .

۱۰- در جریان رویدادهای ۲۵ آبانماه اورامان، تشکیلات حزب د موکرات در اورامان تعداد زیادی از هواداران کومه له را در روستاهای اورامان دستگیر میکنند و ضمن اذیت و آزار و اهانت روانه مقر کمیته شهرستان حزب د موکرات در "دره نغه" کرده و آنها را زندانی میکنند (۶) .

متعاقب این حمله، حزب د موکرات ادعا کرده است (و این ادعا مورد

تکذیب کومه له قرار نگرفته) (۷) :

۶- "اطلاعیه نمایندگان کومه له در هیات مشترک تحقیق در مورد رویداد اورامان"، مورخ ۶۳/۱۱/۳ . متن کامل این "اطلاعیه" در پایان همین مقاله بعنوان ضمیمه شماره ۱، آمده است .

۷- در مقاله حاضر ما بکرات عبارت "که مسور تکذیب (حزب د موکرات یا کومه له) قرار نگرفته" را بکار برده ایم و این امر براساس بخشی از مطالب چاپ شده توسط این دو سازمان است که بدست ما رسیده (بیانیه ها، اعلامیه ها، خبرنامه ها، جزوات و نشریات) . ما عبارت فوق را در مقاله عملاً بیشتر در مورد کومه له بکار گرفته ایم تا حزب د موکرات . ظاهر قضیه ممکنست چنین جلوه کند که از ادعاهای حزب د موکرات بیشتر "حمایت" شده است . اما واقع امر دقیقاً چیز دیگریست : حزب

"کمیته مرکزی کومه له نیز بمحض اطلاع از شروع درگیری اورامانات نامه ای حاکی از مسئولیت و دلسوزی برای حزب دموکرات کردستان نوشته و متذکر شده است که کومه له نیز دستور آتش بس به نیروهای خود را صادر نموده است" (۸) .

حزب دموکرات در همان برنامه رادیویی اضافه می کند :
"بهر حال همچنان که شنوندگان عزیز روز ۲۸ آبان ماه شنیدند، دفتر سیاسی حزب دموکرات کردستان ایران و کمیته مرکزی کومه له

دموکرات با تجربه سیاسی و با آشنائی به کار برد مبارزه تبلیغاتی، استاندارد وارد عمل میشود و با استفاده از شگرد های تبلیغاتی چه بسا حقیقت را (بنحویه کم و بیش اقناع کننده ای) دگرگون جلوه دهد و یا دروغ را راست بنمایاند . قضیه وقتی ناسف بار تر میشود که طرف مقابل - کومه له - بخاطر فقدان تجربه سیاسی و برخورد های کودکانه، بجای پرداختن به ادعای حزب دموکرات و نشان دادن نادرستی آن ها، خود را با خیالبافی ها و ارائه شعار های پوچ و بی محتوی، دلخوش می دارد و در نتیجه، حزب را در این صحنه مشخص تبلیغاتی عملا یکه تاز می گذارد. بعنوان نمونه : حزب دموکرات نه تنها تک ادعاهای کومه له را مورد بررسی قرار می دهد، نه تنها آن ها را در برنامه های رادیویی خود رد می کند بلکه علاوه بر این ها، متن همان برنامه های رادیویی را بطور جداگانه در سطح وسیع ترسیر منتشر می سازد . در حالی که کومه له ممکنست بدلیل این که بسیاری از ادعاهای حزب را بی پایه و غیر قابل اعتنا تلقی کند و یا حد اکثر در برنامه های رادیویی خود به رد برخی از آن ها بپردازد ولی با این همه کمتر کوشیده است که مثلاً همان برنامه های رادیویی را بطور جداگانه و در سطح وسیع تر انتشار دهد . و این امر، قدر مسلم، کار بررسی، تحقیق، قضاوت و جستجوی حقیقت را دشوار می سازد . علاوه بر این ها، ما این امکان را منتفی نمی دانیم که این یا آن مورد توسط حزب دموکرات و بیشتر توسط کومه له تکذیب شده ولی متن چاپ شده آن ها بدست ما نرسیده باشد . بنابراین، هر جا که ما در مقاله حاضر عبارت "که مورد "تکذیب" (حزب دموکرات یا کومه له) قرار نگرفته" را بکار می بریم باید آن را در حد منابعی تلقی کرد که بهنگام نگارش این مقاله در اختیار ما قرار داشته است .

۸ - "در باره رویداد های اخیر منطقه اورامانات، تاریخ پخش ۶۳/۸/۲۸"، به نقل از همان جزوه اشاره شده در زیر نویس شماره ۵۰ .

در يك اعلاميه مشترك خواستار توقف درگيري از نيروهای هر دو طرف شدند و به همه نيروهای پيشمرگ اطلاع دادند كه از ايجاد ايـن نوع حوادث در مناطق ديگر كردستان اجتناب ورزند " (۹) .

در همين نشست ، بنا به ادعای حزب دموكرات (كه مورد تكذيب كومه له قرار نگرفته) ، " توافق " زير بعمل می آيد :

" بنا بر توافق بعمل آمده در همين نشست ، هيات مشتركی جهت اعاده آرامش به اورامانات فرستاده شد كه اين هيات در روز سوم آذر ماه ضمن بازگرداندن افراد مسلح كومه له به منطقه ، همـسـه پایگاه های كومه له را كه در ضمن زد و خورد باشغال پيشمرگان حزب درآمده بودند مجدداً دائر نمود ، ۱۷ نفر از افراد كومه له را كه به اسارت درآمده بودند آزاد كرد و كليـه اموال و اسلحه كومه له را كه به تصرف درآمده بود طبق صورت جلسه به نمايندگان كومه له مسترد نمود " (" كردستان " ، شماره ۱۰۲ ، دی و بهمن ۶۳)
بهر تقدير ، پس از " اعلاميه مشترك " (كومه له در انتشارات خود به ايـن اعلاميه اشاره نمی كند) :

" مذاكره بين كميته مركزی كومه له و دفتر سیاسی حزب دموكرات قرار بر اين گذاشته شد كه هياتی مشترك برای تحقيق در مورد رویداد های روز ۲۵ آبان ماه تشكيل شود . ۰۰۰ هيات كه از دو نماينده حزب دموكرات كردستان ايران و دو نماينده كومه له در سطح رهبری و همچنين دو نماينده اتحاديه میهنی كردستان عراق تشكيل " يافت (۱۰) .

طبق ادعای كومه له (كه طبق معمول مورد تكذيب حزب دموكرات قرار

۹- همانجا . ضمناً حزب دموكرات در همان جزوه متن " اعلاميه مشترك دفتر سیاسی حزب دموكرات كردستان ايران و كميته مركزی سازمان كردستان حزب كمونیست ايران (كومه له) " مورخ ۶۳/۸/۲۷ را نقل كرده است كه در پايان مقالـه ، در ضميمه شماره ۲ چاپ می شود .

۱۰- به نقل از " اطلاعیه نمايندگان كومه له در هيات تحقيق ۰۰۰ " اشاره شده در زيرنويس شماره ۰۶ در مقابل اين سؤال كه چرا در " هيات مشترك تحقيق " اختلافات " حزب دموكرات كردستان ايران " و " حزب كمونیست ايران " فقط يك سازمان كرد (اتحاديه میهنی كردستان عراق) شركت دارد ، حزب دموكرات ادعا

گرفته)، این حزب :

"از آغاز تا پایان کار هیات تحقیق، با سیاست دفع الوقت، ایجاد محدودیت، تعویق انداختن جلسات، آشکارا بر سر راه هیات تحقیق مانع ایجاد کرده است" (۱۱) .

و بگفته کومه له، در همانجا، در "جلسه روز اول بهمن ۶۳"، کار هیات تحقیق به بن بست رسید . و چند روز بعد، یعنی در ۶ بهمن ۶۳، تهاجم کومه له به حزب دموکرات آغاز می شود .

قبلا باید دید که آیا فقط به بن بست رسیدن کار هیات تحقیق، انگیزه این تهاجم بوده است . البته ظاهراً قضیه، به ادعای کومه له، اینست که پس از انجام تمامی تلاش های کومه له در جستجوی يك راه حل سیاسی، تهاجم ۶ بهمن صورت گرفته است . اما واقعیت اینست که این حمله نیز (همانند حمله حزب دموکرات در ۲۵ آبان) با برنامه و تدارك قبلی انجام یافته بود . این امر بوضوح در مقاله مفصل ۲۰ آذر ۶۳ عبدالله مهتدی، "دبیر کل حزب کمونیست ایران" و "رهبر" کنونی کومه له، بچشم می خور (۱۲) .

۲۰ آذر، درست ۸ روز پس از تاریخی است که به ادعای "نمایندگان کومه له در هیات مشترك تحقیق"، این هیات کار خود را آغاز کرده است (۱۳) . از سر تا پای مقاله مذکور هویدا است که نتیجه بررسی های

می کند (ادعائی که مورد تکذیب کومه له قرار نگرفته) :

"هر چند با کمال تأسف ناچاریم به اطلاع همه مردم ایران برسانیم که کومه له با شرکت هیچ يك از سازمان های سیاسی دیگر ایرانی در این هیات موافقت ننمود . چنین بنظر می رسد که کومه له فقط با حزب دموکرات سر جنگ ندارد بلکه با همه سازمان های سیاسی دیگر ایرانی نیز دشمنی می ورزد و یا حداقل غیر از خود هیچ يك از آنان را قبول ندارد" ("حادثه اورامانات و موضع کومه له در برابر آن، تاریخ پخش : ۱۳۰۹/۶۳"، به نقل از همان جزوه اشاره شده در زیر نویس شماره ۵۵ .

۱۱- به نقل از "اطلاعیه نمایندگان کومه له در هیات مشترك تحقیق" .

۱۲- مراجعه کنید به نشریه "کمونیست"، ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران، سال دوم، شماره ۱۵، ۱۳۰ آذر ۶۳ .

۱۳- مراجعه کنید به همان "اطلاعیه نمایندگان کومه له در هیات تحقیق" .

"هیات مشترك تحقیق" هر چه می بود ، مسئله محوری ، "منارعه بورژوازی و پرولتاریا" است ، چرا که "حزب دموکرات کردستان ایران بمثابة حزب سیاسی بورژوازی ملت کرد در کردستان ایران و کومه له بمثابة سازمان کمونیست در کردستان" است . "پرولتاریا" یعنی "حزب کمونیست ایران" در کردستان "با يك مثلث سیاسی - طبقاتی مواجه" است ، "مثلی که د و رأس آن سر بورژوازی [یعنی حزب دموکرات و رژیم ولایت فقیه] و يك رأس را پرولتاریا [یعنی کومه له یا "حزب کمونیست ایران"] تشکیل می دهد " . "حزب دموکرات نه يك حزب جنبش ملی بلکه حزب بورژوازی در جنبش ملی است [؟ !]" . حزب دموکرات یعنی "بورژوازی" ، "بر علیه نیروی کارگران انقلابی در کردستان دست به تهاجم مسلحانه می زند" ، چرا که از "رشد پرولتاریا در کردستان" به "هراس" افتاده است (۱۴) .

از طرف دیگر ، "حزب ما امروز . . . مظهر قاطعیت و سازش ناپذیری انقلابی در رهبری جنبش انقلابی و جنگ انقلابی کردستان است" . بنابراین ، "سیاست واقعی پرولتاریا" ، "بد داشتن آمادگی کامل برای مقابله همه جانبه با هر سطحی از تعرض قهرآمیز بورژوازی ، و به پیش گرفتن آنچنان سیاست عملی نیازمند است که حزب دموکرات را به عبث بودن چنین اقدامی متقاعد سازد و یا در صورت ارتکاب کاملاً پشیمان نماید" .

تمام نقل قول های فوق را از مقاله عبدالله مهتدی آورده ایم (۱۵) ، و همان طوری که گفته ایم این مقاله ۲۵ روز پس از حمله ۲۵ آبان حزب دموکرات ، ۸ روز

۱۴ - برخورد های شعار گونه "حزب کمونیست" به مقولاتی همچون پرولتاریا و در اینجا "رشد پرولتاریا در کردستان" بقدری چشم گیر است که حتی انجمن دانشجویان دموکرات نیز نمی تواند آن ها را مورد تمسخر قرار ندهد . در اعلامیه "انجمن دانشجویان دموکرات کردستان ایران ، پاریس" تحت عنوان "پیرامون اعلام جنگ طبقاتی کومه له" ، مورخ ۲۰/۲/۸۵ (۱/۱۲/۶۳) در رابطه با عبارت ذکر شده به نکته جالبی اشاره میشود :

" . . . پرسش اینست که پرولتاریای کردستان با ایجاد کارخانجات جمهوری اسلامی یا موسسات ایجاد شده توسط کومه له رشد کرده است ؟ ! " .

۱۵ - مراجعه کنید به همان مقاله اشاره شده در زیر نویس ۱۲۰ و اضافه کنیم که

پس از آغاز کار "هیأت مشترک تحقیق" و ۲۶ روز قبل از حمله کومه له نوشته شده و بخوبی پیدا است که کومه له از همان آغاز، صرفنظر از این که نتیجه بررسی های "هیأت مشترک تحقیق" چه می بود، راه حل نظامی یا "ادب" کردن و "کاملاً پشیمان" کردن "حزب بورژوازی" را برگزیده است.

اعلامیه های ظفر مندانۀ "پرولتاریا"، پس از حمله ۶ بهمن این مسئله را روشن تر می سازد.

"... اعلام می کنیم که نبرد های اورامان، از نمودارهای ابتدائی يك جنگ طبقاتی - اگر چه پیش رزی - هستند. امروز در اورامان و شاید فردا در سراسر کردستان" (۱۶).

"حزب دموکرات باید بداند در آراء هر توطئه ای علیه منافع کارگران و زحمتکشان چه بهائی باید بپردازد" (۱۷).

"اگر منطق جنگ اینست که حزب دموکرات می خواهد تناسب نیرو را مزه کند و توفیق در امر گسترش کمونیست ها را به حساب قدرت خود بگذارد، منطق پرولتاریای انقلابی هم اینست که طعم تلخ این

مقاله مذکور که بوضوح بعنوان تهدید و قدرت نمائی نوشته شده به همان اندازه جنگ افروز است که مصوبه شهریور ۶۳ پلنوم کمیته مرکزی حزب دموکرات. حزب دموکرات در برنامه رادیویی مورخ ۱۰/۹/۶۳ مدعی می شود (ادعائی که مورد تکذیب کومه له قرار نگرفته) که کومه له در یکی از برنامه های رادیویی خود، مقارن با "ورود هیأت نمایندگی حزب به مرکزیت کومه له" یعنی (اواخر آبان ۶۳)، چنین گفته است:

"هر انسان با وجدانی این حق را به کومه له می دهد که جنایتی را که حزب دموکرات مرتکب شده بی جواب نگذارد و تلافی خون فرزندان پاک و دلسوز و پیشرو زحمتکشان کردستان را از عاملین این جنایت گرفته و حتی در ایمن راه هیچ نگران گسترش جنگ با حزب دموکرات در کردستان نیز نباشد" (به نقل از همان جزوه اشاره شده در زیر نویس شماره ۵).

۱۶ - "اطلاعیه نمایندگی کومه له در خارج از کشور در مورد درگیری مجاهد در اورامان"، ۳۱ ژانویه ۸۵ (۶۳/۱۱/۱۱).

۱۷ - همانجا.

مزمزه نامیمون را به بورژوازی بچشانند" (۱۸) .

"در واقع جنگ اورامان که از جانب حزب دموکرات به ما تحمیل شده بود پایان نپذیرفته بود ، ما آتش بسی را قبول کردیم" ، و "حقوق هر اقدام متقابل را برای خود باز گذاشته بودیم" (۱۹) .

"ما بارها اعلام کرده ایم که هر تعرض به کومه له را ضربه ای شدید به دموکراسی انقلابی و منافع کارگران و زحمتکشان می دانیم و صراحتاً گفته ایم که هر تعرض حزب دموکرات را با تعرض متقابل پاسخ خواهیم گفت" (۲۰) .

هنوز نمونه های بسیاری از اعلامیه ها و اطلاعیه ها و گفتارهای رادیویی و نشریات کومه له ، "حزب کمونیست ایران" و هواداران شان در مورد "تعرض" و "تعرض متقابل و قاطع" و غیره می توان آورد . ولی همین نمونه های فوق باندازه کافی گویاست .

باری ، بالاخره در ۶ بهمن ۶۳ ، کومه له "تعرض" ۲۵ آبان حزب دموکرات را با "تعرض متقابل" ، دقیق تر این که توحش را با توحش متقابل پاسخ داد . حزب دموکرات در "اطلاعیه مطبوعاتی" خود تحت عنوان "توطئه کومه له علیه زحمتکشان کردستان" (که مفاد آن مورد تکذیب کومه له قرار نگرفته است) ، تهاجم کومه له به حزب دموکرات را چنین شرح می دهد (۲۱) :

"افراد مسلح کومه له با به اجرا در آوردن نقشه از قبل طرح شده از سوی رهبری کومه له و جمع آوری نیرو از نقاط مختلف ، درست سر ساعت ۲ بامداد روز ۶/۱۱/۱۳۶۳ مطابق با ۲۶/۱/۱۹۸۵ ، شش قرارگاه پیشمرگان حزب دموکرات کردستان ایران را در منطقه اورامانات

۱۸- همانجا .

۱۹- همانجا .

۲۰- همانجا .

۲۱- متن کامل این "اطلاعیه مطبوعاتی" را بعنوان ضمیمه شماره ۳ در پایان همین مقاله آورده ایم . ضمناً سه نقطه ها در اینجا و در همه جا به هنگام نقل اطلاعیه های طرفین از ماست عمدتاً بدلیل حذف کلماتی نظیر جنایتکاران ، آدمکشان ، عمال جنایتکار و غیره که هر طرف درگیر به دیگری نسبت می دهد .

مورد حمله غافلگیرانه و ناجوانمردانه خود قرار دادند ۰۰۰ کومه له با سوء استفاده از اسم شبی که به پیشنهاد کمیسیون مشترک در میان پیشمرگان حزب و کومه له بمنظور جلوگیری از نفوذ عوامل رژیم خمینی تعیین شده بود نگهبانان حزب را دستگیر و سپس آن ها را در ورتسر از مقرها با طپانچه بقتل می رسانند تا کسی با خبر نگردد و آنگاه پیشمرگان حزب را در قرارگاه هایشان غافلگیر می نمایند و با نارنجک دستی و آرپی جی آن ها را به شهادت می رسانند (۲۲) ۰ زن و شوهر پیری که به این عمل وحشتناک کومه له اعتراض می کنند از سوی ۰۰۰ کومه له تیرباران می گردند ۰ در نتیجه، ۱۹ نفر از پیشمرگان حزب و مردم بیدفاع شهید و ۱۰ نفر نیز مجروح می گردند. اسامی شهدا بشرح زیر می باشد: ۰۰۰ توضیح این مسئله ضروری است که ده نفر اول در اثر حمله ناگهانی افراد کومه له بشهادت می رسند ولی نه نفر اخیر بعد از اسیر شدن بلافاصله بدست ۰۰۰ کومه له تیرباران می گردند" (۲۳) ۰

حزب دموکرات در جای دیگری ادعا کرده است (ادعائی که مورد تکذیب کومه له قرار نگرفته):

۲۲- عبدالله مهدی در همان مقاله ۲۰ آذر ۶۳ خود (اشاره شده در زیر نویس شماره ۱۲)، حزب "بورژوازی" را متهم می کند که در ۲۵ آبان ۶۳ "برای جلوگیری از ابراز واکنش موثر کومه له کوشیده است تا عنصر توطئه و غافلگیری را در آن به حد اکثر مورد استفاده قرار دهد" ۰

ولی بطوری که ملاحظه می شود "پرولتاریا" هم در ۶ بهمن ۶۳ دقیقاً همان شیوه "بورژوازی" را بکار گرفته است ۰

۲۳- البته رقم کشته شدگان به ادعای کومه له، خیلی بیش از اینهاست ۰ "صدای انقلاب" مشعشانه اعلام می کند:

"در دو مرحله درگیری روز ششم بهمن در اورامان جمعا ۱۲ پیشمرگ کومه له شهید شدند و دست کم ۳۸ نفر از افراد مسلح حزب دموکرات تنها در مرحله اول درگیری کشته شدند ۰ تلفات حزب دموکرات در مرحله دوم درگیری بسیار ما دقیقاً روشن نیست" ۰ به نقل از اعلامیه مورخ ۶۳/۱۱/۱۱ تحت عنوان "برگزیده دو گفتار رادیو صدای انقلاب" ۰

"در ساعت ۲ نیمه شب بهمن ماه افراد مسلح کومه له که از همه نقاط کردستان جمع آوری شده و قبلاً تمامی ارتفاعات اطراف کمیته حزبی و پایگاه ها و خوابگاه های پیشمرگان حزب را اشغال و سنگر بندی کرده بودند همزمان به همه پایگاه ها و خوابگاه های پیشمرگان یورش برده و با بیرحمانه ترین وجهی به قتل عام پیشمرگان پرداختند. در این یورش همه جانبه، افراد مسلح کومه له طبق یک نقشه منظم، به خانه عده ای از پیشمرگان حزب رفته، آنان را از رختخواب بیرون کشیده در جلوی چشمان خانواده هایشان به فجیع ترین وضعی اعدام کردند. در روستای شوشی زن و مرد سالمندی را که یک پیشمرگه مجروح و یک کادر درمانی حزب را در خانه خود مسکن داده بود به بیرحمانه ترین صورت و البته به همراه پیشمرگ مجروح و کادر درمانی مذکور به قتل رساندند" (۲۴).

آنچه در سطور فوق درباره تهاجم کومه له و آنچه در صفحات قبل درباره تهاجم حزب دموکرات از قول طرفین آوردیم (که هیچیک از طرفین تا کنون سندی در رد آن ها ارائه نداده اند) اگر تماماً واقعی نبوده، حتی در صد کمی هم واقعیت داشته باشد، رشمه برانگیز است. آنچه بنام "دموکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان" یا "وظیفه تاریخی" و "سیاست واقعی پرولتاریا" در ۲۵ آبان و ۶ بهمن ۶۳ انجام گرفته است - باید از گفتن حقیقت و بردن نام آن وحشت نداشت - : اسمش "مبارزه" نیست، جنایت و توحش است. آیا این ها با عملکرد های رژیم منغور ولایت فقیه طی شش سال سرکوب و کشتار علیه مردم رزمنده کرد و پیشمرگه های قهرمان آن، ماهیتاً چه تفاوتی دارد؟ بحث ما در اینجا درباره ماهیت و کیفیت جنایات رژیم اسلامی (نه کمیت آن) و تشابه آن ها با اعمال حزب دموکرات و کومه له است. رفقای کومه له در یکی از برنامه های رادیویی خود، در اواخر آبان و اوایل آذر ۶۳ گویا (۲۵) گفته اند:

۲۴- "کردستان"، شماره ۱۰۲.

۲۵- می نویسیم "گویا" چرا که این نقل قول را نه از منابع کومه له بلکه به نقل از گفتار رادیویی حزب دموکرات مورخ ۱۰/۹/۶۳ آورده ایم (مراجعه کنید به

"ده تن از شهیدان، با بیشرمانه ترین شیوه بدست کسانی
از تشکیلات اورامانات حزب دموکرات، اعدام شدند که بیانگر
وحشیگری و جنایت کمتر از افرادی چون لاجوردی و بقیه جلادان
جمهوری اسلامی نیست و بدینسان نشان دادند که چه توان
و استعدادی در خیانت و جنایت دارند."

این بحث رفقای کومه له کاملاً درست است و بحثی است که ما در این
نوشته کوشیده ایم آنرا بیان کنیم. آری، بحث این رفقا کاملاً درست است
ولی ۰۰۰ تا قبل از ۶ بهمن ۰۶۳ از این رفقا باید پرسید که آیا آنچه
در اواخر آبان یا اوایل آذر بیان کرده اید، بعد از ۶ بهمن دقیقاً بـ
خودتان بر نمیگردد؟

اینگونه تهاجمات وحشیانه نه "مبارزه برای دموکراسی" و نه "مبارزه
پرولتاریا بر علیه بورژوازی"، بلکه نمایشگریك بینش عقب مانده، بقایای تفکر
خانخانی و قبیله ای، برخورد کینه توزانه و انتقام جویانه با مسائل سیاسی
و اجتماعی است و در اساس خود، هیچ تفاوتی با قصاص اسلامی ندارد. اگر
در بینش و منش و روش، قلدر و سرکوبگر باشیم، "دموکرات" و "کمونیست" فقط
عناوینی پوچ و توخالی اند. بحث ما در اینجا حتی درباره تاکتیک غلط
"مبارزه مسلحانه" و نیروی سیاسی مخالف رژیم اسلامی علیه یکدیگر در کردستان
نیست (فاجعه بسیار عمیق تر از محکوم کردن این "مبارزه" است) بلکه
شیوه های ضد انسانی است که هر دو سازمان در این "مبارزه" بکار برده اند.
آنچه حزب دموکرات و کومه له کرده اند، آیا در اساس، با آنچه رژیم جنایتکار
اسلامی مثلاً در قارنا و ایندرفاش کرده است، چه تفاوتی دارد؟ آن ها
اسیران و مجروحان را با قمه و ساطور کشته اند، شما با طپانچه و مسلسل.
آن ها خانه های مردم زحمتکش کرد را با اجسادشان به آتش کشیده اند،
شما همین کار را در مورد فرزندان همان مردم انجام داده اید.

از حزب دموکرات و عملکرد غالباً قدرت منبانه آن که بگذریم، در اینجا
خطاب ما به رفقای کومه له است که خود را کمونیست می دانند و "حزب کمونیست
ایران" را تشکیل داده اند. رفقا! آیا يك لحظه فکر کرده اید که با اعمال

وحشیانه ۶ بهمن، چه تصویری از کمونیسم در ذهن همان زحمتکشان کرد (که در میان شان مبارزه می‌کنید و می‌خواهید ایده‌ها و ارزش‌های کمونیستی را تبلیغ کنید)، بدست داده‌اید؟ رفقا! کمونیسم شعار نیست، ایده‌آل است، واژه تو خالی نیست، ارزش است. کمونیست‌ها، آدم‌های مصنوعی، سربازان سربی نیستند، قبل از هر چیز، انسانند و مبارزه‌شان، قبل از هر چیز، بخاطر انسان است و تعالی ارزش‌های انسانی.

همین رفقای "حزب کمونیست ایران" (عمدتاً امک) و سایر سازمان‌های چپ استالینیست و ماکیاولیست ایران، بارها و بارها، بخاطر دفاع از همین ارزش‌ها، بما انگ "لیبرالی"، "لیبرالیسم چپ" و غیره زده‌اند. چه باک! تکرار هزار باره این اتهامات و تهمت‌های شدیدتر، ذره‌ای از اراده‌مداران سیمای انسانی کمونیسم و دفاع از آن، نخواهد گاهید و می‌دانیم که برنده نهائی در این نبرد آرمان‌ها و ارزش‌ها، مائیم (۲۶) و مائریالیسم تاریخی، بازگشت به توحش و بربریت (در يك لباس جدید) نیست.

برگردیم به تهاجم مسلحانه حزب دموکرات و کومه‌له و به وقایع رعشه‌آور و تکان‌دهنده ۲۵ آبان و ۶ بهمن ۶۳. گفتیم اگر در بینش و روش، قلدر و سرکوبگر باشیم، هر قدر هم نام "دموکرات" و "کمونیست" بر خود بگذاریم، از این لحاظ هیچ تفاوتی در اساس با رژیم قلدر و سرکوبگر خمینی نخواهیم داشت. در اینحال، از دسازمان (بویژه از کومه‌له) پرسیدنی است: پس، بخاطر چه آرمانی با چنان رژیمی می‌جنگید؟ آیا اعدام اسیران و مجروحان به هنگام خواب و به آتش کشیدن مقرها — همراه اجساد کشته‌شدگان را چگونه برای مردم کسرد توضیح می‌دهید؟ آیا خیال می‌کنید که کشتار زحمتکشان کرد (پیشمرگه‌های حزب دموکرات و کومه‌له) را با يك مشت عبارات پوچ و تو خالی و شعارهای مسخره

۲۶ — نکته پیدا است که منظور از "ما" در اینجا، صرفاً سازمان وحدت کمونیستی نیست. همانطوری که سیاق عبارت (و نیز عبارات قبلی) مشخص می‌کند، منظور از آن، تمام نیروهای مارکسیست و مارکسیست‌هائیت که (نه فقط در ایران بلکه در هر نقطه از جهان)، در بینش، منش و روش، به تصویر زورمداران، قلدر منشانه و سرکوبگرانه از کمونیسم — که غالباً ارائه می‌شود —، اعتقادی ندارند.

و بی محنوی می‌توانید موجه جلوه دهید؟ آیا لحظه‌ای فکر کرده‌اید که این اقدامات جنون‌آمیز چه تأثیر منفی و فلج‌کننده‌ای در مردم ایران و بویژه در مردم کردستان بر جا خواهد گذاشت؟ این تهاجمات وحشیانه و غیرمسئولانه بنفع کیست؟ بنفع هر که باشد، بنفع مردم ایران و کردستان، بنفع کارگران و سایر زحمتکشان ایران و کردستان نیست. حتی بنفع مدعیان "دموکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان" و "پرولتاریای انقلابی ایران" هم نیست.

باز در اینجا، مخاطب اصلی ما، رفقای کومه له‌اند که اگر مفهوم همه جانبه کلمه، کمونیست نباشند، جزئی از جنبش چپ ایران بشمار می‌روند (۲۷) و در نتیجه، توقع ما از آن‌ها بیشتر است. عملکرد آن‌ها بیشتر به ما، همه ما — به جنبش چپ ایران، به توده‌های چپ ایران، به کارگران و سایر زحمتکشان ایران، به زحمتکشان کرد، به کمونیست‌های ایران — مربوط می‌شود و باید در مقابل این‌ها پاسخگو باشند. به حزب دموکرات ایران با توجه به ماهیت و عملکرد شش سال گذشته‌اش، چندان حرجی نیست. حزب دموکرات مدعی است:

"برای ... رهروان راه پیشوا قاضی محمد شهید جای بسی افتخار است که کردستان را به دژ تسخیرناپذیر آزاد یخواهان و سنگر آزادی سراسر ایران تبدیل نموده‌اند" (۲۸).

"رهروان راه پیشوا قاضی محمد شهید"، یعنی حزب دموکرات، در شش سال گذشته در کردستان همواره خلاف این ادعا را به اثبات رسانده‌اند. لاقلاً، کمتر سازمان چپی است که در کردستان حتی مدت کوتاهی فعالیت کرده باشد، "دفاع" حزب دموکرات از "دموکراسی" را با پوست و گوشت

۲۷ — "حزب کمونیست ایران"، "پرولتاریای انقلابی" بودن، "انترناسیونال" را تشکیل دادن و غیره بیشتر شوخی است تا جدی که جای بحث آن در اینجا نیست. در سلسله مقالات "رهائی" و "اندیشه‌رهائی" به تفصیل به این‌ها خواهیم پرداخت.

۲۸ — به نقل از "پیام کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران" ... اشاره شده در زیر نویس شماره ۱).

خود لمس نکرده باشد (۲۹) ، هر چند که برخی از سازمان های چپ نظیر
 " راه کارگر " که خود طعم این " دموکراسی " را چشیده اند امروز
 فرصت طلبانه ، غیر مسئولانه و مصلحت جوینان ، آن را فراموش کرده باشند (۳۰) .
 کمیته مرکزی حزب دموکرات در گزارش خود به کنگره ششم حزب ، ده اصل
 در مورد صفات و مشخصات يك " کادر خوب حزب " را ذکر می کند . ما برای
 اجتناب از اطناب فقط اصل اول آن را در زیر نقل می کنیم :

" يك کادر خوب حزب باید :

۱- هم از نظر باورهای فکری و هم از نظر رفتار و کردار ، دموکرات

بوده و سیمای يك دموکرات داشته باشد " (۳۱) .

۲۹- درباره سرکوب های حزب دموکرات در مورد سازمان های چپ (و از جمله
 کومه له) در طی سال های گذشته ، مراجعه کنید به ضمیمه شماره ۴ که با استفاده
 از یادداشت های یکی از رفقای کرد تهیه شده است .

۳۰- رفقای " راه کارگر " یا " سازمان انقلابی کارگران ایران " امروز بهر دلیل و علت
 (تغذیه از امکانات حزب دموکرات برای ابراز وجود در کردستان ، توافق شان با
 پیشش اردوگاهی حزب دموکرات و چراغ سبز نشان حزب دموکرات به حزب توده و یسار
 بدلیل کج اندیشی های مزمن و علاج ناپذیر شان) ، در راه کارگر شماره ۱۰ - مورخ
 دیماه ۶۳ به دفاع بی قید و شرط از حزب دموکرات یا بقول شان : " بمثابه سازمان
 اصلی رهبری کننده جنبش خلق کرد " (نگاه کنید به " پیام سازمان کارگران انقلابی
 ایران - کمیته خارج از کشور به حزب دموکرات بمناسبت ۲۲ ری بندان " - مورخ
 ۱۳/۱۱/۶۳) ، پرداختند . ولی همین رفقا پس از رویداد ۶ بهمن ۶۳ ، " یسار
 صدای بلند مقصر این درگیری [یعنی کومه له] را اعلام " و محکوم کردند (اعلامیه
 " کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر - درباره درگیری فاجعه آمیز
 ششم بهمن در اورامانات کردستان " ، مورخ ۱۹/۱۱/۶۳) ، بی آن که نه در این
 اعلامیه و نه بویژه در راه کارگر شماره ۱۰ . مقصر تهاجم وحشیانه حزب
 دموکرات به کومه له در ۲۵ آبان ۶۳ را حتی با صدای کوتاه یا با زمزمه ، " اعلام " و
 محکوم کنند . این رفقای " کارگران انقلابی ایران " یکبار دیگر ، " صداقت انقلابی " خود
 را نشان دادند و یکبار دیگر ترزهای ارائه شده در " اندیشه رهائی " شماره
 ۲ (" از راه کارگرتا سازمان کارگران انقلابی ایران - خط چهار یا خط حزب
 توده ") را بوضوح به اثبات رساندند .

۳۱- " کوردستان " ، شماره ۹۹ ، به نقل از " گزارش کمیته مرکزی به کنگره ششم حزب " .

نه فقط کادرهای حزب بلکه حزب دموکرات بعنوان يك مجموعه، در شش سال گذشته، "هم از نظر باورهای فکری و هم از نظر رفتار و کردار"، خلاف این اصل را بارها به نمایش گذاشته اند.

ادعای حزب دموکرات در مورد دفاع از "دموکراسی در ایران" از يك جنبه دیگر نیز، همانطوری که بارها نشان داده است ادعای پوچی بیش نیست. مذاکرات اخیر حزب با نمایندگان رژیم خمینی فقط تاکید مجددی است بر آنچه قبلاً می دانستیم: حزب دموکرات نه فقط خواهان "دموکراسی برای ایران" نیست بلکه تمایلی به استقرار دموکراسی در کردستان هم ندارد (سرکوب های خونین حزب در مورد نیروهای سیاسی کرد و غیرکرد شواهد بارز نیست بر این امر). البته حزب دموکرات خواهان خود مختاری برای کردستان است. آن هم به يك شرط: خودش در رأس باشد و نیروهای سیاسی را بنحوشدید تر از نمونه های چند سال گذشته، سرکوب کند و هرگونه مانع و رادعی را از پیش پای خود بردارد. کسی "موی دماغ" حزب نشود. حزب دموکرات برای بدست آوردن این "خود مختاری" از توسل به هیچ وسیله ای حتی ساخت و پاخت با رژیم خمینی که دست هایش تا مرفق به خون جوانان و زحمتکشان کرد آلوده است، کوتاهی نمی کند. نه تنها محرمانه با رژیم وحشی خمینی، آن هم در سال ۶۳، به مذاکره می نشیند، بلکه وقتی که این مذاکرات افشاء شد، در صدد توجیه بر می آید. به خودش، به مصوبات کنگره های پنجم و ششم حزب، پشت می کند، به هم پیمانان خود در شورای ملی مقاومت تارو می زند. حتی می کوشد برای حزب منفور و آبرو باخته توده، اعتبار و حیثیت فراهم کند (۳۲). پیدا است که از يك چنین حزبی هیچ توقعی نمی توان داشت، لااقل ما هیچ توهمی درباره آن نداریم. هیچ تعجب نخواهیم کرد اگر فردا بشنویم که از درون این حزب يك مصطفی بارزانی دیگر ظهور کرده است.

اما در مورد کومه له چنین نیست. درست به همین دلیل است که تهاجم چپ روانه، غیر مسئولانه، نظامی گرایانه کومه له در ۶ بهمن ۶۲ در این زمینه مراجعه کنید به نشریه کردستان، ارگان کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران، شماره ۹۹، شهریور ۶۳.

را محکوم می‌کنیم. بنظر ما وظیفه کومه له بعنوان يك سازمان چپ انقلابی کردستان، شریک شدن در تظاهرات، جانشین گرایانه، خیالبافانه و در بلند پروازی های خام و بی محتوی امکی نیست (۲۳)، وظیفه کومه له، دیدن واقعیت های عینی و ارزیابی درست از شرایط مشخص کردستان و برنامه ریزی بر اساس آن ارزیابی در هدایت زحمتکشان کردستان حرکت از واقعیت های عینی است. رشد کومه له در چند ساله اخیر در کردستان، از يك گروه كوچك به يك سازمان سیاسی - نظامی سرانگیزی در کردستان، از يك طرف، نتیجه، سیاست های سازشکارانه، متزلزل و غیر دموکراتیک حزب دموکرات بود و از طرف دیگر، شمره سازماندهی زحمتکشان کرد - نه کشانده شدن بطرف خیالبافی ها و بلند پروازی های نظیر تشکیل "حزب کمونیست ایران"، "بین الملل کمونیستی جهان"، "نمایندگویی پروتاریای انقلابی ایران" و غیره و نه نظامی گری چپ روانه و غیر مسئولانه نظیر تهاجم ۶ بهمن ۶۳. آن بلند پروازی های خام و این نظامی گری های قلدر منشاء، در روند خود، متأسفانه کومه له را به نقطه ای خواهد رساند که از آن آغاز کرده است. و این، عمیقاً مایه تأسف ما خواهد بود. این تأسف نه فقط به این خاطر است که کومه له را جزئی از جنبش چپ ایران می‌دانیم و شکست آن، شکستی است برای همه ما، بلکه همچنین بخاطر پیوند های عاطفی است که همکاری های صادقانه گذشته سازمان ما با

۲۳ - گاهی اوقات فقط خیالبافی نیست بلکه شعارهای بی سروته و لاف زنی است. به این عبارت از اعلامیه "سازمان هواداران حزب کمونیست ایران در خارج از کشور"، پاریس، ۲۱ ژانویه ۸۵ (۶۳/۱۱/۱۱) توجه کنید:

"از کارشناسان خاورمیانه کاخ سفید و کرملین تا سلطنت پهلوی و مجاهدین و "سازمان کارگران انقلابی ایران" و ... همه در يك نگرانی پاینده ای مشترك اند: در منطقه حساس [کردستان] از نقطه نظر منافع امپریالیستی، کمونیست ها قدرت قابل ملاحظه و روزافزونی پیدا کرده اند" (سه نقطه از متن اعلامیه، گروه از ما است).

مضافاً، در عبارت فوق، بجای مجاهدین، منافقین، بجای "سازمان ... و ... ملحدین و بجای کمونیسم، اسلام و جمهوری اسلامی را قرار دهید گویا عیناً با یکی از اعلامیه های سپاه پاسداران یا قرارگاه حمزه سید الشهدا مواجه آید.

کومه له (علی رغم همه انحرافات و عدم انسجام نظری اش که به کرات در گذشته در شماره های رهائی دوره دوم، به آن ها پرداخته ایم) بوجود آورده بود .

تردیدی نیست که مسئولیت دور جدید درگیری های مسلحانه در کردستان بین دو سازمان سیاسی کرد ، عمدتاً بمعده حزب دموکرات است نه تنها بدلیل اینکه در ۲۵ آبان حمله را آغاز کرد بلکه همچنین ، بطوری که ازطواهرامرا یعنی از بررسی گزارش ها و اطلاعیه های طرفین) بر می آید ، بر سر نتیجه گیری " هیات مشترک تحقیق " سنگ انداخت و مهمتر از همه این ها ، بطوری که دیده ایم ، با تدارك قبلی ، از جمله اولتیماتوم شهرریور ۶۳ ، خود را برای این تهاجم آماده کرد . این ها همه درست . ولی همه این ها چیسوزی از مسئولیت کومه له و یا دقیق تر این که بی مسئولیتی و حرکات کودکانه و انتقام جویانه " حزب کمونیست " امکی در ۶ بهمن نمی گاهد . اقدام " حزب " یا بقول دبیر کل آن : ادب کردن و پشیمان کردن " بورژوازی " یعنی حزب دموکرات ، بهرچیزشباهت داشت جز به برخورد مسئولانه يك سازمان سیاسی که گویا نمایند " پرولتاریای انقلابی " یا اصلاً خود " پرولتاریای انقلابی ایران " است و " حزب کمونیست ایران " را ، آن هم در کردستان عقب مانده ، در جائسی که بورژوازی و پرولتاریا بمفهوم واقعی این دو اصطلاح وجود ندارد ، در میان " صدای مرغ و خروس " و غیره (۳۴) تشکیل داده است .

کومه له ، پس از تهاجم ۶ بهمن به حزب دموکرات ، در لابلای بیانیه های نظامی " پیروزمندانه " اش ، در برخی از گفتارهای رادیویی اش که در خارج از کشور تکثیر شده اند (۳۵) ، در کنار تهدید های نظامی ، چنین عنوان می کند :

" ما بارها گفته ایم و یکبار دیگر می گوئیم که ما خواهان این هستیم

۳۴- نگاه کنید به " بسوی سوسیالیسم " امک (قبل از این که " بسوی سوسیالیسم " ،

" نشریه تئوریک حزب کمونیست ایران " بشود) ، دوره اول ، بهمن ۶۱ ، ص ۴۱ .

۳۵- لحن بیانیه ها و اطلاعیه های خارج از کشور کومه له و " حزب کمونیست ایران " و گفتارهای رادیویی آن ها بنحو چشم گیر و زننده ای متفاوت است . مثلاً در گفتارهای رادیویی ، حزب دموکرات ، " حزب بورژوازی " نیست ، همان حزب دموکرات است . مخاطب " رادیوی صدای انقلاب ایران " ، " پرولتاریای انقلابی ایران " نیست ، " شنندگان مبارز " است و غیره .

که اختلافات سیاسی بین ما و حزب دموکرات در عرصه مبارزه سیاسی، دنبال شود" (۳۶) .

"ما در پیرامون کشیدن فتوحات نظامی خود بر حزب دموکرات نیستیم و اساساً شیوه مبارزه سیاسی را درست می‌دانیم" (۳۷) .

"ما با شرکت در این کمیسیون‌ها ... خواسته ایم نشان دهیم تا چه حد خواهان پیشبرد مبارزه خود با حزب دموکرات از طریق غیر مسلحانه هستیم و تا چه میزان این درگیری‌ها را در چارچوب شرایطی به زیان جنبش می‌دانیم" (۳۸) .

همه این حرف‌ها قبل از تهاجم کومه له به حزب دموکرات، قبل از ۶ بهمن ۶۳ البته درست بود .

کومه له در برنامه رادیویی ۲۳ بهمن ۶۳ می‌گوید :

حزب دموکرات "از گفتگو برای متوقف کردن درگیری سر باز می‌زنند و بدین ترتیب در هر گونه راه حل سیاسی روبرو می‌بندد" (۳۹) .

کومه له در برنامه "صدای انقلاب" خود، ژست "بزرگوارانه" خود را برای پیشنهاد مذاکره سیاسی تا به آنجا پیش می‌برد که پس از درگیری ۶ بهمن، خطاب به "شنوندگان مبارز" چنین می‌گوید :

"همچنان که اطلاع دارید بدنبال درگیری ششم بهمن، همان‌روز کمیته مرکزی کومه له طی نامه‌ای به دفتر سیاسی حزب دموکرات خواستار مذاکره جهت پایان دادن به درگیری و برقراری آتش‌بس شد . دفتر سیاسی ح . د . غروب همان‌روز ششم بهمن طی جوابیه‌ای پاسخ منفی داد و اعلام کرد که حاضر به مذاکره نیست" (۴۰) .

۳۶- "برگزیده دوگفتار رادیو صدای انقلاب"، ۶۳/۱۱/۱۱ .

۳۷- همانجا .

۳۸- "اطلاعیه نمایندگی کومه له در خارج از کشور در مورد درگیری مجید" .

اورامان"، ۳۱ ژانویه ۸۵ (۱۱ بهمن ۶۳) .

۳۹- "اطلاعیه نمایندگی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) در خارج از کشور"، شماره ۹۰، از ۲۱ تا ۲۶ بهمن ۶۳ .

۴۰- "برگزیده دوگفتار رادیو صدای انقلاب" .

کومه له با چنین گفتارهای رادیویی اش واقعا چه کسی را می‌خواهد فریب دهد؟ حزب دموکرات یا "شنوندگان مبارز" را؟ (خوشبایران اگر نگوییم غیرصادقانه)، در حالی که در بامداد همان روز "تعداد ۳۸ نفر از افراد مسلح دموکرات" را "تنها در مرحله اول درگیری کشته" است و "تلفات حزب دموکرات در مرحله دوم درگیری [در همان روز] برای ما روشن نیست" (۴۱)، در شامگاه همانروز، درخواست "آتش بس" می‌دهد و بعد هم از خود راضی، اعلام می‌دارد که "دفتر سیاسی ح. د. غروب همانروز ششم بهمن طی جوابیه ای پاسخ منفی می‌دهد". واقعا که دست می‌زاد! آیا کومه له، واقعا و صادقانه، اعتقاد داشت که حزب دموکرات به آن درخواست پاسخ مثبت خواهد داد؟ آیا "پرولتاریای انقلابی" پس از وقایع ۲۵ آبان برخوردی مسئولانه با مسئله کرده بود که از "حزب بورژوازی" چنین توقعی دارد؟ آیا "شنوندگان مبارز" که در همانروز، اخبار برنامه رادیوی حزب دموکرات در مورد کشته و اعدام شدن حداقل ۳۸ پیشمرگه حزب را نیز شنیده بودند در مورد این گونه آسمان و ریسمان بافی‌ها چه قضاوتی می‌توانستند داشته باشند؟ آیا به صداقت انقلابی رفقای کومه له مشکوک نمی‌شدند؟ مایه تاسف است که اکنون کومه له همان شیوه‌هایی را بکار می‌گیرد و به همان دستاویزهایی متوسل می‌شود که امثال حزب دموکرات در آن استادند: دست انداختن و به بازی گرفتن شعور "شنوندگان مبارز" (از طریق رادیو) و خوانندگان اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌ها در خارج از کشور (از طریق ارائه شعارهای پوچ و بی‌محتوی).

رفقای ما، در گذشته، بارها شاهد رفتار انسانی رفقای کومه له با اسیران دشمن (نه تنها سربازان و افسران بلکه حتی بسیجی‌ها و پاسداران درنده‌خو) بوده‌اند، سقوط کومه له بدین حد واقعا باور نکردنی است که پیشمرگه‌های اسیر و مجروح حزب دموکرات را خونسردانه اعدام کند. کومه له از زمانی که بزریر پرچم "حزب کمونیست" امکی و "رهبران" متفرعن "پرولتاریا" رفته، یکسره مسخ شده، قابل شناسائی نیست (۴۲). کومه له که اکنون

۴۱- همانجا.

۴۲- در صفحات قبل، درباره اولتیماتوم حزب دموکرات به کومه له، مذاکرات

بقول عبدالله مهدي (در همان مقاله قبلا اشاره شده) ، خود را "مظهر قاطعیت و سازش ناپذیری پرولتاریای انقلابی" می داند مجبور است که همیشه جا بدنبال "بورژوازی" و "بورژواها" بگردد . بطوری که دیده ایم حزب دموکرات مدعی است (و این ادعا مورد تکذیب کومه له قرار نگرفته) که از جمله اعدام شدگان ، يك زن و شوهر پیر ، يك پیشمرگه مجروح و يك عضو کسادر درمانی حزب بوده اند که هر چهار نفر در خانه آن زن و شوهر پیر اعدام شده اند . یعنی افرادی که حتی قادر به دفاع از خود نبوده اند . علاوه بر این ، آیا به هنگام شلیک طپانچه یا مسلسل يك لحظه به قیافه های قربانیان خود نگاه کرده اند که ببینند چه چیزشان به "بورژواها" می ماند ؟ رفقای کومه له در این بازی خطرناک به جایی نخواهند رسید . پایان این راه ، متأسفانه سقوط مطلق است و بر باد رفتن اعتبار و حیثیت مبارزاتی کومه له در چند ساله اخیر .

اگر کومه له واقعا "درگیری ها [ی مسلحانه]

محرمانه با نمایندگان رژیم و ناروژدن حزب به متحدان خود در شورای ملی مقاومت سخن گفته ایم و با توجه به گذشته و ماهیت حزب دموکرات مسائلی را عنوان کرده ایم . در رابطه با طرف دیگر یعنی کومه له و دقیق تر این که در رابطه با "حزب کمونیست ایران" مباحثی وجود دارد که در این مقاله به آن ها نپرداخته ایم بدین خاطر که حل آن ها هنوز به زمان و روشن شدن برخی از مسائل نیاز دارد . در این درگیری های اخیر حزب دموکرات و کومه له درباره "حزب کمونیست ایران" و بویژه درباره "رهبران" خود گمارده "پرولتاریا" سئوالاتی مطرح است که فعلا نمی توانیم به آن ها پاسخ دهیم . بعنوان نمونه ، مسئله زیر واقعا گیج کننده است :

در صفحات قبل از قول حزب دموکرات (که هیچ يك مورد تکذیب کومه له قرار نگرفته) دیدیم که غروب روز ۲۵ آبان ، کمیته مرکزی کومه له نامه ای به دفتر سیاسی حزب دموکرات می فرستد مبنی بر این که به نیروهای خود دستور آتش بس داده است . در روز ۲۷ آبان ، "اطلاعیه مشترك" دفتر سیاسی حزب دموکرات و کمیته مرکزی کومه له به امضاء می رسد و طرفین متعهد می گردند که "فورا آتش بس اعلام شود و اوضاع در اورامانات به حالت عادی باز گردد" و "همزمان با آن از پیشمرگان کومه له و حزب در سراسر کردستان خواسته می شود که متانست انقلابی خود را حفظ کنند ، از ایجاد درگیری ها که بی شک به زیان جنبش انقلابی

را در چنین وضعیتی بزبان جنبش "می دانست و اگر "خواهان" این بود که "اختلافات سیاسی" خود با حزب دموکرات را "در عرصه سیاسی دنبال" کند، ماجراجویی حزب دموکرات در ۲۵ آبان را با ماجراجویی ۶ بهمن پاسخ نمی داد و بر خلاف ادعای عبدالله مهدی (در همان مقاله قبلا اشاره شده "کمونیست") اگر کومه له را اعمال "سیاست واقعی پرولتاریا" معاف بداریم در بهترین حالت، باید گفت که کومه له در این ماجرا، ناتوانی خود را حتی در انتخاب يك تاکتیک صحیح سیاسی هم بمنصه ظهور رساند .

کومه له با يك فرض خیالی ("پرولتاریای انقلابی" خواندن خود) حرکت کرد و به يك فرض خیالی دیگر ("بورژوازی" خواندن حزب دموکرات) رسید . در نتیجه، تعرض مسلحانه "بورژوازی" را با "مظهر قاطعیت و سـازش ناپذیری پرولتاریای انقلابی" ، با شدت پاسخ داد . بنابراین، با ایـمن خیالبافی ها، راه حل دیگری جز "تعرض قاطع و شدید" به "بورژوازی" و ادب کردن و پشیمان کردن آن به پیش پای خود ننهاد و خود را در يك دور تسلسل باطل گرفتار کرد . "بصیرت پرولتاریائی" بکنار، اگر کومه له بصیرت ساده سیاسی

خلق کرد است، اجتناب ورزند . این "اعلامیه مشترک" اگر از رادیوی حزب کمونیست پخش هم شده باشد (ما از پخش شدن یا نشدن آن اطلاعی نداریم)، لااقل توسط رادیوی حزب دموکرات، در روز ۲۸ آبان پخش شد یعنی در کردستان انعکاس یافت . در روز ۳ آذر، هیات مشترک کومه له و حزب دموکرات به اورامانات رفت، "همه پایگاه های کومه له" از نو دایر گردید و "کلید اموال و اسلحه کومه له"، "طبق صورتجلسه به نمایندگان کومه له مسترد" گردید . "۱۷ نفر از افراد کومه له" که "به اسارت درآمده بودند، آزاد" شدند . در ۱۲ آذر با توافق طرفین، "هیات مشترک تحقیق" (که نمایندگان کومه له در آن هیات نیز این امر را تأیید کردند . مراجعه کنید به ضمیمه شماره ۱)، کار خود را آغاز کرد . این يك جنبه از مسئله . اما جنبه دیگر، جنبه ای که هم به تنهایی و هم در ارتباط با جنبه اول، معمای گیج کننده را می سازد :

رادیوی "حزب کمونیست ایران" از همان اواخر آبان یعنی همزمان با نشست کمیته مرکزی کومه له و دفتر سیاسی حزب دموکرات و توافق های حاصله برای جستجوی راه حل سیاسی، کارزار شدید تبلیغاتی خود را علیه حزب دموکرات آغاز کرد . با توجه به نقش مهمی که این رادیوها (حزب دموکرات و حزب کمونیست) بویژه بـر روی

می داشت ، می توانست از تهاجم ۲۵ آبان حزب دموکرات و قلد ر منشی های این حزب، چه در سطح کردستان ، چه در سطح ایران و چه در سطح بین المللی حداکثر استفاده کند . از جمله می توانست مذاکرات اعلام شده حزب دموکرات با رژیم دد منش اسلامی را افشاء کند . می توانست پرونده ها و مدارك موجود در نزد هیات تحقیق کومه له در رابطه با تهاجم وحشیانه حزب دموکرات را در معرض افکار عمومی کردستان و ایران و جهان قرار دهد . می توانست مصوبه پلنوم شهریور ۶۳ کمیته مرکزی حزب دموکرات و توطئه چینی های این حزب را به معرض قضاوت همگان بگذارد . می توانست دو روئی های مزورانه حزب با هم پیمانان خود در شورای ملی مقاومت و لاس زدن هایش با رژیم خمینی را برملا سازد . می توانست چهره دوگانه حزب دموکرات را (که از یکطرف، در کردستان ، سرکوبگر و قلد ر منش است و از طرف دیگر، در مصاحبه های رهبر خود با روزنامه ها و رسانه های گروهی غرب ، نسرم و دموکرات مآب) افشاء کند . خلاصه این که برخورد درست کومه له نه تهاجم مسلحانه (آن هم با چنان شیوه های زشت و شمشیر کننده) بلکه

پیشمرگه های دو طرف دارند ، نتیجه، بلافاصله تبلیغات رادیوی حزب کمونیست ، بسی اعتبار کردن نتایج حاصله مذاکرات و خصوصا متشنج کردن جو بود . همانطوری که در صفحات قبل نوشته ایم فقط ۸ روز بعد از آغاز کار " هیات مشترك تحقیق " ، عبدالله مهدی ، " دبیر کل ، حزب کمونیست ایران " آن مقاله تهدید آمیز و هل من مبارز طلبانه، " کمونیست " را نوشت که عباراتی از آن را قبلا نقل کرده ایم (تاریخ نگارش مقاله ، ۲۰ آذر و تاریخ چاپ " کمونیست " ۳۰ آذر) . و بدنبال آن ، در کنار تبلیغات انتقام جویانه رادیوی حزب کمونیست ، انواع و اقسام اعلامیه ها ، اطلاعیه های " حزب کمونیست ایران " ، " کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران " ، " هواداران حزب کمونیست ایران در خارج از کشور " و غیره ، سرازیر شد . و گوئی که دست هائی در کار است که کومه له ، بعنوان يك سازمان چپ انقلابی در کردستان را از درون متلاشی کند و از این طریق به جنبش مقاومت کردستان لطمه بزند . ما در اینجا وقتی که از " دستها . . . " سخن می گوئیم تا حد توطئه جینی عامدانه پیش نمی روییم و همان سیاست چپ روانه، غیر مسئولانه و انقلابی نمایانه را مورد نظر داریم . و این سیاست ، با تشکیل " حزب کمونیست " امکی آغاز شد و و نایع اخیر فقط بازتاب مشخص تری از آنست .

مقاومت مسلحانه و تعرض همه جانبه سیاسی بود .

"پیش بینی" نا بخردانه؛ عبدالله مهدی در ۲۰ آذر در همان مقاله
"کمونیست" در مورد "سیاست واقعی پرولتاریا" :

"۰۰۰ به پیش گرفتن آنچنان سیاست عملی ۰۰۰ که حزب دموکرات
را به عبث بودن چنین اقدامی متقاعد سازد و یا در صورت ارتکاب
کاملاً پشیمان نماید" .

بطوری که از قبل هم مشخص بود (و قاعدتاً کومه له می بایست قبل از هر
کسی بداند) ، کاملاً غلط از آب درآمد . وقایع بعد از ۶ بهمن نیز غلط
بودن این سیاست با اصطلاح پرولتاریائی را دقیقاً نشان داد . تنها جرم
"پرولتاریا" نه تنها "بورژوازی" را "کاملاً پشیمان" نکرد ، بلکه به جو تشنج
بیش از هر زمان دیگر ، دامن زد . بعد از ۶ بهمن ، توجه بخش عمده ای
از نیروهای دوسازمان ، بجای مبارزه با پاسداران و نظامیان سرکوبگر رژیم
خمینی ، معطوف به حمله های غافلگیرانه یکدیگر است . وقتی که پیشمرگه های
دوسازمان از چنگ جلادان خمینی جان سالم بدر می برند ، در کمیته
پیشمرگه های یکی از این دوسازمان می افتند و از پای در می آیند .

آنچه در زیر می آید بخشی از "عملیات" مسلحانه این دوسازمان است
که در برخی از اعلامیه ها و اطلاعیه های خود (که بدست ما رسیده) نقل
کرده اند . و همین نمونه ها بخوبی نشان می دهند که درگیری ۶ بهمن ،
از میزان تشنج و خشونت در کردستان نه تنها به هیچ وجه نکاسته بلکه بیش
از پیش به تداوم عدد در دادن نیروهائی که می باید علیه رژیم سرکوبگر اسلامی
مبارزه کنند ، افزوده است :

"بنا به خبری که از ناحیه کرمانشاه بدستمان رسیده است ، عصر
ششم بهمن پیشمرگان ح ۰ د ۰ ، در این ناحیه به یک مقر کومه له که
قبلاً از سوی پیشمرگان ترك شده بود ، یورش برده و وسائل آن را به
غارت می برند .

در ناحیه مریوان نیز بنا به اخباری که بدستمان رسیده است روز هفتم
بهمن تعدادی از پیشمرگان ح ۰ د ۰ در روستای "بلجه سور" ۵ قبضه
تفنگ ۳۰ و مقداری وسایل دیگر کومه له را که در محلی مخفیانه

نگهداری می‌شد به غارت می‌برند. روز هشتم بهمن پیشمرگان ح ۵۰ مقدار وسایل تدارکاتی کومه له را در مقری که قبلاً آنجا را ترك کرده بودند، به غارت می‌برند. روز نهم آبان، يك تیم چهار نفره از پیشمرگان حزب دموکرات که مأمور شده بودند مقرهای مهاباد را در جنوب کردستان شناسائی کنند با ضد کمین پیشمرگان مایسرو شده و درگیری شروع می‌شود. در این درگیری يك تن از پیشمرگان حزب دموکرات جان خود را از دست می‌دهد و سه تن از پیشمرگان کومه له دستگیر می‌شوند که یکی از آن‌ها زخمی است. بلافاصله در روز نهم بهمن، پیشمرگان ح ۵۰ از رودگاه کمیته شهرستان مریوان را ترك می‌کنند، پیشمرگان کومه له به آنجا رفته و وسایل آنجا اکنون در تحویل رفقای کمیته ناحیه مریوان است. (۴۳)

"طی ۲۴ ساعت گذشته (تاریخ ۲۳ بهمن) در نواحی بانه - مهاباد و مریوان میان پیشمرگان کومه له و حزب دموکرات درگیری رخ داده است که آخرین اخبار این درگیری‌ها را به این شرح به اطلاعتان می‌رسانیم:

مهاباد. ساعت ۳ بعد از ظهر ۲۲ بهمن پیشمرگان کومه له و حزب دموکرات در فاصله روستاهای قره‌نی و ترقه درگیر می‌شوند. این درگیری بمدت ۴ ساعت و نیم یعنی تا ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر ادامه داشته است. در این درگیری به پیشمرگان کومه له آسیبی نرسید و از تعداد دقیق تلفات حزب دموکرات نیز تا رسیدن آخرین خبر اطلاعی نداریم.

بانه. ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه ۲۲ بهمن ماه، هنگامی که يك واحد از پیشمرگان کومه له از گردان بانه از مسیر روستاهای گرما - بیوران عبور می‌کردند و در روستای سربرد به کمین پیشمرگان حزب دموکرات می‌افتند که پس از ۲۰ دقیقه درگیری پیشمرگان حزب دموکرات بسوی روستای بیوران عقب‌نشینی کردند. پیشمرگان کومه له آسیبی نمی‌بینند و مسیر خود را ادامه می‌دهند.

۴۳ - "برگزیده دو گفتار رادیو صدای انقلاب".

مريوان ۰ کمیته ناحیه مريوان صبح ۲۳ بهمن ماه به رادیوی صدای انقلاب ایران اطلاع داد که میان يك واحد از پیشمرگان کومه له در آن ناحیه با پیشمرگان حزب دموکرات درگیری رخ داده است که در نتیجه آن ۴ کشته، ۳ زخمی و ۱۲ اسیر از حزب دموکرات باقی ماند. رفقای ما در این نبرد، آسیبی ندیدند " (۴۴) .

"سقز ۰" ۱۳ بهمن ۰۰۰ - دسته ای از پیشمرگان نیروی "شهید افشار" و نیروی "شهید عزیز یوسفی" حین بازگشت از مأموریت حزبی در منطقه "سرشیو" به کمین افراد مسلح کومه له می افتند و پنج تن از آنان بدست ۰۰۰ کومه له زخمی گردیدند. سپر پیشمرگان بدفاع از خویش پرداختند و افراد کومه له را به هزیمت واداشتند. اما آن ها حین فرار به پیشمرگانی که با شنیدن صدای تیر بطرف محل درگیری شتافته بودند، تیراندازی کرده و يك پیشمرگ بنام کاک عبدالله خاکی از نیروی "شهید افشار" را به شهادت رساندند. لازم به یاد آوری است که به هنگام درگیری نیروهای رژیم از پایگاه های "سوته" و "بوخه له" پیشمرگان را زیر آتش گرفتند .

سقز ۰ ۱۶ بهمن ۰۰۰ - یکی از کادرهای حزب بنام کاک کریم شکوه پور که در روز ۱۳ بهمن ماه جاری در کمین افراد مسلح کومه له در نزدیکی روستای "دگاگا" زخمی شده بود بعزت شدت جراحات وارده بشهادت رسید .

مريوان ۰ ۱۴ بهمن ۰۰۰ - دسته ای از پیشمرگان نیروی "زریار" مريوان و نیروی "بیستون" در ساعت ۱۵ / ۱۰ دقیقه صبح در روستای "ره شه دی" واقع در ۵ کیلومتری مريوان با نیروهای مهاجم رژیم درگیر گردیدند. پیشمرگان به مقابله با دشمن برخاسته و طی سه ساعت نبرد سخت و نابرابر علی رغم توپ و خمپاره باران شدید توانستند حلقه محاصره ضد خلقیان را شکسته و طی تاکتیک خاصی به کوه های اطراف عقب نشینی نمایند. در این درگیری

۴۴ - "اطلاعیه نمایندگی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) در خارج از کشور"، شماره ۹۰ .

از میزان تلفات و خسارات دشمن اطلاع دقیقی در دست نیست.
پیشمرگان پس از عقب نشینی و ده ساعت پیاده روی و خستگی شدید
در نزدیکی روستای "ویشکه لان" به کمین افراد مسلح کومه له
افتادند که در نتیجه دو تن از پیشمرگان بنام های انور منبری
و جبرئیل ابراهیمی از نیروی "زربار" بشهادت رسیدند" (۴۵).

"بوکان ۲۲۰ بهمن ۱۳۰۰ - دسته ای از پیشمرگان نیروی بیان حین
بازگشت از عملیات ضد رژیم در نزدیکی روستای "قره لی" به کمین
افراد مسلح کومه له افتادند. طی نبردی چهار ساعته پیشمرگان
توانستند کمین کومه له را بشکنند و افراد مسلح کومه له را مجبور
به فرار نمایند. متأسفانه در این درگیری تحمیل شده یکی
از پیشمرگان بنام رسول میراشی بشهادت رسید" (۴۶).

و این درگیری های مسلحانه حزب دموکرات و کومه له همچنان ادامه دارد
و هر روز، ابعاد فاجعه آمیزتری بخود می گیرد. اگر حزب دموکرات و کومه له،
دو سازمان عمده جنبش مقاومت در کردستان، یک لحظه فکر کنند و نخواهند
جنبش مقاومت خلق کرد را به ناامیدی و نابودی بکشانند، راه حل سیاسی -
نه "اعمال حاکمیت" کردن های رقت انگیز (۴۷)، نه قدرت نمایی های

۴۵ - "بولتن خبری کردستان ایران"، "حزب دموکرات ایران - تشکیلات اروپا"،
۱۰۱.

۴۶ - "بولتن خبری کردستان ایران"، شماره ۱۰۲.

۴۷ - درگیری های تحمیلی گذشته حزب دموکرات به کومه له (تا قبل از "ایجاد" حزب
کمونیست "امکی")، بخاطر حفظ قدرت بی قید و شرط، اعمال "حاکمیت" حزب
و قدرت نمایی های حقیر بود. متأسفانه از قریب دو سال پیش تا کنون، کومه له نیز
اعمال حزب "دموکرات" را بعنوان مدل و نمونه انتخاب کرده است.

وقتی که ریشه های اصلی درگیری اخیر حزب دموکرات و کومه له را - که نمونه
تبیکی از درگیری های این دو نیرو در کردستان است - از نزدیک دنبال کنیم،
خواهیم دید که مسئله اساسی هر دوی آنها در نقاط محدودی که حضور دارند
(یعنی در نقاطی که نیروهای رژیم حضور ندارند)، نه مبارزه بخاطر "دموکراسی"،
نه "مبارزه پرولتاریای انقلابی با بورژوازی" بلکه همان اعمال "حاکمیت" (یا نفیسی
"حاکمیت" طرف مقابل) و در یک کلمه، قدرت نمایی است. برای این دو نیرو (برای

خطرناك ، زیانبار و بی حاصل و نه گسترش هر چه بیشتر درگیری ها - ، هنوز
(مانند دیروز) ، درست ترین ، واقعبینانه ترین و مسئولانه ترین
راه حل هاست .
دشمن ، خوشحال به تماشا نشسته است .

بهمن آذری

www.vahdatcommunisti.com

حزب دموکرات همواره ، و اکنون برای کومه له نیز ، وقتی که پای منافع سازمانی شان به
میان بیاید ، بطوری که درگیری های اخیر هم بوضوح نشان داد ، تنها چیزی
که متأسفانه مطرح نیست ، منافع آتی و آتی مردم محروم و زحمتکش کرد است .
در باره ریشه درگیری های اخیر حزب دموکرات و کومه له ، که ما از آن بعنوان
اعمال " حاکمیت " کردن های حقیر و قدرت نمایی های رقت انگیز نام برده ایم ، مراجعه
کنید به ضمیمه شماره ۵۵ .



اطلاعیه نمایندگان کومه له در هیات مشترک تحقیق

در مورد رویداد اورامان

مردم مبارز کردستان ۱

همانطور که اطلاع دارید پس از رویداد ۲۵ آبانماه اورامان و مذاکره بین کمیته مرکب از کومه له و دفتر سیاسی حزب دموکرات ایران قرار بر این گذاشته شد که هیاتی مشترک برای تحقیق در مورد رویدادهای روز ۲۵ آبانماه تشکیل شود ، و این هیات روز دهم آذرماه به ناحیه اورامان برود . هیات که از دو نماینده حزب دموکرات کردستان ایران و دو نماینده کومه له در سطح رهبری همچنین دو نماینده اتحادیه میهنی کردستان عراق تشکیل یافته بود روز دوازدهم آذرماه کار خود را در روستای شریشمی پایان داد و از آنجا آغاز کرد . در ابتدای کار ، هیات تحقیق رؤس شیوه کسار خود را تا نیل به نتیجه گیری در مورد جگونگی واقعه اورامان و نیز شناسایی عاملین آن مشخص کرد که به امضای نمایندگان هر سه طرف رسید . پس از آن هیات به بازدید از محل وقایع پرداخته و با تحقیق از تعدادی از مسئولین و پیشمرگان کومه له و حزب دموکرات و نیز تعدادی از مردم محل کار خود را ادامه داد و شب ۲۴ آذرماه با امضا و رسمیت دادن به تمام اسناد هیات به کار خود پایان داد و قرار گذاشت که جلسه دیگری برای نتیجه گیری از آن تحقیقات تشکیل دهد . این جلسه روز اول بهمن ماه ۶۳ با این هدف که هیات مشترک تحقیق به نتیجه گیری نهایی برسد تشکیل شد ، اما علیرغم کوشش زیاد نمایندگان کومه له و اتحادیه میهنی کردستان (عراق) متأسفانه نمایندگان حزب دموکرات کردستان ایران به هیچ شیوه ای حاضر نشدند نتیجه گیری خود را به هیات تحقیق اعلام کنند . در این جلسه ، نمایندگان حزب دموکرات کردستان ایران تمام قرارهای هیات تحقیق را در مورد مساله نتیجه گیری از رویداد اورامان که در صورت جلسات ۱۲ آذرماه ، ۱۶ آذرماه و ۲۴ آذرماه مندرج گشته و خود نیز امضا کرده بودند ، زیر پا نهادند . نمایندگان حزب دموکرات با این کار شکنی ها آشکارا و در عمل هیات تحقیق را بدون اینکه به نتیجه گیری برسد به بن بست رساندند .

لازم به توضیح است که نمایندگان حزب دموکرات از آغاز تا پایان کار هیات تحقیق با سیاست دفع الوقت ، ایجاد محدودیت و به تعویق انداختن جلسات ، آشکارا بر سر راه هیات تحقیق مانع ایجاد کردند تا بدین ترتیب در حد توانایی خود حقایق مربوط به وقایع اورامان را از مردم کردستان پنهان کنند . برای مثال در شرایطی که مردم کردستان مدت ها چشم انتظار نتیجه کار هیات تحقیق

بودند ، نمایندگان حزب دموکرات در جلسه ۲۴ آذرماه اصرار میکردند که برای نتیجه گیری به آنان ۱۸ روز فرصت داده شود . ما نمایندگان کومهله مخالفت کرده و بر ضرورت نتیجه گیری سریع تاکید کردیم ، اما حتی بعد از سپری شدن آن ۱۸ روز نمایندگان حزب دموکرات ^۱ ^۲ و مقابل درخواست کومهله برای تشکیل جلسه نتیجه گیری مجدد با به دفع الوقت پرداختند و باعث شدند که جلسه هیات تحقیق برای نتیجه گیری در مجموع به مدت ۳۶ روز به تعویق افتد و سرانجام هنگامیکه در جلسه روز - اول بهمن ماه شرکت کردند طبرغم تاکید ما و نمایندگان اتحادیه میهنی کردستان (عراق) و طبرغم کوشش و حسن نیت نمایندگان اتحادیه میهنی کردستان (عراق) و ارائه چندین پیشنهاد از طرف آنان برای نتیجه گیری از این بررسی ها که به منظور به سرانجام رساندن کار هیات تحقیق مورد موافقت ما نیز قرار گرفتند ، نمایندگان حزب دموکرات بطور کامل با تمام پیشنهادات یک به یک مخالفت کردند و حاضر به اعلام نتیجه گیری خود نشدند و بدین ترتیب متأسفانه باعث شدند که نتیجه گیری بعمل نیاید . کار هیات تحقیق سرانجام خاتمه می یابد . لازم به توضیح است که ما نمایندگان کومهله متن نتیجه گیری خود را به نمایندگان اتحادیه میهنی کردستان (عراق) دادیم ، و همچنین گزارشی کسسه نمایندگان اتحادیه میهنی درباره چگونگی رویداد اورامان برای هیات تحقیق قرائت کردند نزد ما موجود است . مابه مثابه نمایندگان کومهله این وظیفه را برعهده داریم که بکوشیم چگونگی رویداد اورامان هرچه سریعتر برای مردم کردستان و برای مردم ایران روشن شود ، و اجازه ندهیم که هیچ جنایتکاری در جنبش انقلابی کردستان تحت هرنامی که باشد خود را از خشم و نفرت مردم انقلابی کرد پنهان سازد ؛ نمایندگان حزب دموکرات کردستان ایران همان کاری را کردند که از آغاز در دستور خود گذاشته بودند ، یعنی به تعویق انداختن تحقیقات و پنهان ساختن حقایق مربوط به رویدادهای اورامان تا آنجا که در توانشان بود ؛ آنان بالاخره به هیات تحقیق نگفتند که رویداد ۲۵ آبانماه اورامان از نظر آنان چگونه بوده است . از اینرو ما نمایندگان کومهله در اینجا چکیده نتیجه گیری خود را به آگاهانی مردم مبارز کردستان میرسانیم . این نتیجه گیری طبق سیر رویدادهای اورامان به اختصار چنین است :

۱ - سپیده دم ۲۵ آبانماه ۶۳ بین ساعت ۶ تا ۷ و ۳۰ دقیقه تعدادی از پیشمرگان کومهله برای روانه کردن چند خانواده که از نوسود به پاوه میرفتند از شهر نوسود خارج میشوند . در محلی بنام "قلوز" واقع در ۷۰۰ متری شهر نوسود پیشمرگان حزب دموکرات که قبلاً در آن محل مستقر شده بودند ، راه را بر پیشمرگان کومهله گرفته و به بهانه تفتیش وسائل خانواده ها میکوشند با ایجاد جو تشنج پیشمرگان کومهله را وادار به درگیری سازند . اما وقتی موفق به اینکار نمیشوند خود مستقیماً به پیشمرگان کومهله تیراندازی میکنند .

۲ - بلافاصله پس از تیراندازی در قلوز پیشمرگان ج . د . بوسیله آ . پی . جی و سلاحهای دیگر مقرر کومهله در نوسود را مورد تعرض قرار میدهند که در نتیجه یکی از پیشمرگان بنام ادیس محمدی شهید و پیشمرگ دیگری زخمی میگردد و ۴ پیشمرگ دیگر کومهله نیز به اسارت گرفتار

- میشوند . مقرر کومه‌له هم تماما توسط پیشمرگان حزب دموکرات تصرف میشود و کلیه وسایل داخل آنسرا میبرند . در این جریان یکی از پیشمرگان حزب دموکرات زخمی میشود .
- ۳ - پس از تصرف مقر یکی از پیشمرگان کومه‌له بنام دارا اسعدی در باغهای نوسود به محاصره تعداد زیادی از پیشمرگان حزب دموکرات در می‌آید و در حالیکه زخمی بوده است توسط پیشمرگان حزب دموکرات اعدام میگردد .
- ۴ - مابین ساعات ۳ و ۳ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر تعدادی از مسئولین و پیشمرگان حزب دموکرات ۴ پیشمرگ اسیر کومه‌له بنامهای طلیعه علی رمائی (بیسارانی) ، علی آرمان مشهور به علی فارس ، عبید صوفیه و مدریک یوسفی مشهور به ریموار پالنگانی را از زندان بیرون آورده و به محلی بنام " دره هرات " در ۵۰۰ متری شمال غرب شهر نوسود میبرند و در آنجا آنها را به رگبار بسته و اعدامشان میکنند .
- ۵ - ساعت ۴ بعد از ظهر تعداد زیادی از پیشمرگان حزب دموکرات به تعقیب پیشمرگان کومه‌له در باغهای قسمت پایین نوسود پرداخته و آنان را مورد یورش قرار میدهند و درگیری ایجاد میشود در این درگیری یکی از پیشمرگان کومه‌له بنام بختیار خالدی که موفق به عقب نشینی نشده و خود را تسلیم پیشمرگان حزب دموکرات نموده بود پس از چند دقیقه در همانجا بدست پیشمرگان حزب دموکرات اعدام میشود . در این درگیری یک تن از پیشمرگان حزب دموکرات نیز بنام عزیز رضانی شهید میشود .
- ۶ - ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه صبح همانروز بدنبال یورش به مقر کومه‌له در نوسود پیشمرگان حزب دموکرات در شویسمی نیز در حالیکه از قبل در بلندبها و سر راهها مستقر شده بودند یورش بسوی مقر کمیته تشکیلات کومه‌له در اورامان را آغاز میکنند که بدرگیری میانجامد و در نتیجه این درگیری دو پیشمرگ حزب دموکرات بنامهای ثروت احمدی و یکنفر دیگر و دو پیشمرگ کومه‌له بنامهای رحیم الهی مام حه باوان شهید میشوند و مقر کومه‌له نیز به تصرف پیشمرگان حزب دموکرات در می‌آید .
- ۷ - پیشمرگان حزب دموکرات پس از تصرف مقر کمیته کومه‌له در اورامان تمام وسایل آنها میبرند و مقر را نیز به آتش میکشند .
- ۸ - در همان ساعات پیشمرگان حزب دموکرات در بلندبهای پشت مقر کومه‌له دو پیشمرگ کومه‌له بنامهای نصراله بهمنی و مسعود احمدی مشهور به توفیق را که مجروح بدستشان موافتند به رگبار بسته و هردو را اعدام میکنند .
- ۹ - پیشمرگان حزب دموکرات کردستان ایران یک پیشمرگ زخمی کومه‌له بنام سید علی و یک پیشمرگ یزنکیار کومه‌له بنام فرح ادمن را که در جادر در مانگاه کومه‌له در ۲۰ متری مقر بودند اعدام کرده و جادر در مانگاه را با حنازه های این دو شهید به آتش میکشند .
- ۱۰ - در جریان رویدادهای ۲۵ آبانماه اورامان ، تشکیلات حزب دموکرات در اورامان تعداد زیادی

از هواداران کومهله را در روستاهای اورامان دستگیر میکنند و ضمن اذیت و آزار و اهانت روانه مقرکیت شهرستان حزب دموکرات در "دره تغه" کرده و آنها را زندانی میکنند .

۱۱ - تشکیلات حزب دموکرات در اورامان وقایع روز ۲۵ آبانماه را با نقشه و توطئه قبلی و به منظور برجیدن تجهیزات کومهله در اورامان تدارک دیده بود . سیر رویدادها از قبل از درگیری ها تا آخر به روشنی نقشه و توطئه از قبل طرحریزی شده تشکیلات اورامان حزب دموکرات بر علیه پیشمرگان کومهله را اثبات میکند .

۱۲ - مشخصات مسئولیتی فاجعه در تشکیلات اورامان حزب دموکرات از طرف ما ، نمایندگان کومهله در هیات با تمام اسناد و مدارک به کمیته مرکزی کومهله تسلیم گشت . در پایان اعلام میداریم که بزودی متن تفصیلی این نتیجه گیری را همراه با تمام اسناد و مدارک مربوطه جهت اطلاع بیشتر مردم کردستان چاپ و منتشر خواهیم کرد .

نمایندگان کومهله در هیات مشترک تحقیق در مورد رویداد اورامان -

فاروق بابامیری قاتح شیخ الاسلامی

سوم بهمن ماه ۱۳۶۳

شماره ۲۵

تاریخ پخش: ۶۳/۸/۲۸

اعلامیه مشترک دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران
و کمیته مرکزی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (گومله)

در تاریخ ۶۳/۸/۲۷ جلسه ای با شرکت [اعضای] دفتر سیاسی حزب
دمکرات کردستان ایران و کمیته مرکزی سازمان کردستان حزب کمونیست
ایران (گومله) تشکیل گردید و طرفین در مورد این رویداد بر آن شدند
که فوراً آتش بس اعلام شود و اوضاع در اورامانات بحالت عادی باز گردد
همزمان با آن از همه پیشمرگان گومله و حزب در سراسر کردستان
خواسته میشود که متانت خود را حفظ کنند، از ایجاد اینگونه درگیریها
که بی شک به زیان جنبش انقلابی خلق گردد است اجتناب ورزند .

کمیته مرکزی سازمان کردستان
حزب کمونیست ایران (گومله)

حزب دمکرات کردستان ایران

۶۳/۸/۲۷



شماره: ۱۴۲

تاریخ: ۱۳۸۵/۱/۳۱

اطلاعیه مطبوعاتی

ضمیمه شماره ۲

توضیحه کومه‌له علیه زحمتکشان کردستان

همچنانکه طی اطلاعیه مطبوعاتی شماره ۱۴۱ گزارش شده بود، افراد مسلح کومه‌له با به اجرا درآوردن نقشه از قبل طرح‌ریزی شده از سوی رهبری کومه‌له و جمع آوری نیرو از نقاط مختلف در ساعت ۲ بامداد روز ۶/۱۱/۱۳۶۳ مطابق با ۱۳۸۵/۱/۲۶ شش قرارگاه پیشرگان حزب دمکرات کردستان ایران را در منطقه اورامانات مورد حمله غافلگیرانه ناجوانمردانه خود قرار دادند.

ماجراجویان کومه‌له با سوء استفاده از اسم شی که به پیشنهاد کمیسیون مشترک در میان پیشرگان حزب و کومه‌له منظور جلوگیری از نفوذ عوامل رژیم خمینی تعیین شده بود تنگبانان حزب را دستگیر و سپس آنها را دورتر از مقرها با طیانجه بقتل میرسانند تا کسی باخبر نگردد و آنگاه پیشرگان حزب را در قرارگاه هایشان غافلگیر می‌نمایند و با ناراضک دستی و آرمی بی آنها را شهادت می‌رسانند. زن و شوهر پیری که به این عمل وحشتناک کومه‌له اعتراض می‌کنند از سوی آدمکشان کومه‌له تیرباران می‌گردند.

در نتیجه ۱۹ نفر از پیشرگان حزب و مردم بیدفاع شهید و ۱۰ نفر نیز مجروح می‌گردند. اسامی شهدا به شرح زیر می‌باشد:

- | | |
|------------------|--|
| ۱- مجید مجیدیانی | ۱۱- واحد احمدی |
| ۲- احمد فردوسی | ۱۲- قاسم حسینی |
| ۳- رسول رفعتی | ۱۳- حسن محمدی |
| ۴- غفار رحمانی | ۱۴- سهراب شکری |
| ۵- حسن کامیارانی | ۱۵- عبدالله مبروفی |
| ۶- عبدالله سعادت | ۱۶- سعید رضائی |
| ۷- کاک همه شهاب | ۱۷- بهرام ویسی (از نیروی دفاع ملی) |
| ۸- صدیق عزیزی | ۱۸- عبدالله کیخسروی (هوادار) |
| ۹- ماموستا فایق | ۱۹- نجیه بزمونی (هوادار، همسر کاک عبدالله کیخسروی) |
| ۱۰- مصطفی شیرندی | |

توضیح این سآله ضروری است که ۱۰ نفر اول در اثر حمله ناگهانی افراد کومه‌له شهادت می‌رسند ولی ۹ نفر اخیر بعد از اسیر شدن بلافاصله بدست جنایتکاران کومه‌له تیرباران می‌گردند.

در میان شهیدان و مجروحین اسامی افراد بیدفاع به چشم می‌خورد. پیشرگان حزب و مردم اورامانات هنگامی که از جنایت هولناک کومه‌له خبردار می‌شوند، سوی محل

درگیری سرازیر میگردند. عمال جیان و جنایتکار کومه‌له که در مقابل سیل خروشان زحمتکشان عرصه معرکه‌ها سرخودتنگ می‌بینند، تاب مقاومت نیاورده، به بادگان بلخ ارتش عراق در خاک عراق پناه می‌برند. بدین ترتیب هرچند مردم کردستان در نتیجه جنایت کومه‌له فرزندان ارزنده را از دست دادند لیکن توطئه کومه‌له با شکست مفتضحانه روبرو گردید و نفرت و انزجار توده‌های وسیع مردم کردستان را علیه رهبری و آدمکشان کومه‌له برانگیخت. کومه‌له قصد داشت اورامانات را از وجود پیشمرگان حزب دمکرات پاکسازی کند لیکن مردم افراد مسلح کومه‌له را یکبار برای همیشه از اورامانات پاکسازی نمودند. کاملاً روشن است که این جنایت هولناک افراد مسلح کومه‌له از پیش طرح ریزی شده و بدستور رهبری کومه‌له و یا کمونیست‌های اشرافی که هم‌اکنون افسار کومه‌له را در دست دارند به اجرا درآمده است. مگر نه اینست که کومه‌له در یکی از گفتارهای رادیویی خود هشدار داده بود که از حزب دمکرات انتقام خواهد گرفت و تکرار گسترش جنگ با حزب دمکرات در کردستان نیز خواهد بود.

این بار کومه‌له بی‌گدار به آب زده است و طبق مثل معروف کردی به بزی میماند که خون اجالش آمده نان جوین را میخورد. کومه‌له با این جنایت خصومت خود را با جنبش ملی دمکراتیک مردم کردستان اعلام داشت و علی‌رغم ادعاهای دروغینش نشان داد که تا چه حد از زحمتکشان کردستان متفر است. از اشراف زاده‌های نهرانی و شیرازی و بوکانی که رهبری کومه‌له را بعهده دارند جز این نیز نمیتوان انتظار داشت. آنها کینه طبعی خود را یکبار دیگر نسبت به زحمتکشان کردستان نشان دادند و دیگر هیچ شعار و ادعای دروغین و برنامه به ظاهر طرفدار زحمتکشان نمیتواند این حقیقت را بپوشاند.

در حالیکه فرزندان روزمند و شرافتمند کردستان هر روز ضربه شکننده‌ای بر یکسر رژیم خمینی وارد می‌آورند، در حالیکه پیشمرگان حزب دمکرات کردستان، هر روز شهیدان نوی نثار راه آزادی میکنند، افراد مسلح جنایتکار کومه‌له از پشت به جنبش مردم کردستان خنجر می‌زنند و عملاً در صف عمال رژیم خمینی قرار میگیرند.

پس از حادثه اسفبار آبانماه امسال حزب ماکوشش نمود که مسئله را از طریق مذاکره با کومه‌له حل و فصل کند و کمیون تحقیق مشترکی به اورامانات اعزام شد که مقرها و وسایل به غنیمت گرفته شده کومه‌له را به کومه‌له بازگرداند. اینک کومه‌له از حسن نیست حزب دمکرات سوء استفاده کرده و جنین جنایت هولناکی را مرتکب شده است. تردیدی نیست که این بار مردم کردستان کومه‌له را نخواهند بخشید. افراد مسلح و بی‌و رهبری کومه‌له باید بفهمند که چنین رفتاری با زحمتکشان کردستان، اعضاء پیشمرگان حزب کسسه شش سال تمام است که در برابر رژیم خمینی شجاعانه ایستادگی میکنند مردم کردستان را علیه آنان خواهد شوراند.

حال باید دید کومه‌له تاکی در برابر مردم کردستان یارای مقاومت خواهد داشت.

گرامی باد یاد پیشمرگان حزب دمکرات در اورامانات، شهیدان راه آزادی کردستان و سراسر ایران.

ننگ و نفرت برآدمکشان کومه‌له که از پشت به جنبش انقلابی کردستان خنجر می‌زنند.

نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران در خارج از کشور

نمونه هایی از اقدامات ضد دموکراتیک حزب دموکرات در چند سال گذشته

همانطوری که در زیر نویس شماره (۲۹) گفته ایم مطالب زیر که نمونه های کوچکی از اقدامات ضد دموکراتیک حزب "دموکرات" در کردستان است، با توجه به یادداشت های یکی از رفقای کرد، تنظیم شده است:

"حزب دموکرات که واژه "دموکراسی" را بیش از هر واژه دیگری در فرهنگ سیاسی اش بکار می برد و در ستایش از آن، هیچ فرصتی را از دست نمی دهد، حزب دموکرات که هیچگاه فراموش نمی کند، برای هزارمین بار تکرار کند که دموکراسی در کردستان و فعالیت تمام گروه ها و تائید آزادی بیان و قلم و فعالیت های دموکراتیک تا قبل از اشغال نظامی رژیم در کردستان، همه در سایه کوشش های حزب بوده و حزب همچنان مصمم است که دموکراسی را تضمین کند، اما علی رغم همه این ها، واقعیت اینست که کارنامه حزب در احترام و تضمین دموکراسی و دفاع از آن چندان درخشان نیست."

سازمان های چپ بیش از دیگران به این امر واقفند. کمتر سازمان چپی است که مدتی در کردستان فعالیت کرده باشد و "دفاع" حزب از دموکراسی را بوضوح ندیده باشد. حادثه ۱۷ اسفند ۵۹ را همه بیاد داریم. مشکل است که بتوان تصور کرد که خود حزب فراموش کرده باشد. در آنروز همه مردم بوکان شاهد بودند چگونه یک دسته چهل نفری از افراد مسلح حزب دموکرات به فرماندهی کریم خالدار معروف (یکی از "دموکرات" ترین عناصر حزب) و رمضان (فرمانده سابق یکی از پاسگاه های جاده پیرانشهر - سردشت که تا آخرین روزهای حکومت شاه، راه را بر مردم می بست و وادارشان می کرد که عکس شاه را بر شیشه ماشین های خود بچسبانند)، در جلوی چشم حیرت زده مردم، مقر سازمان پیکار را در وسط شهر و در روز روشن با آتش سلاح سنگین، آرمی جی و رگبار مسلسل در هم کوبیدند فقط به این دلیل که سازمان پیکار، ائتلاف و نزدیکی حزب دموکرات با مجاهدین را در خیابان بر ملا کرده بود. نتیجه عملیات "دفاع از دموکراسی" حزب به قیمت سه کشته، بیش از ده زخمی و حدود ۲۰ اسیر و به غنای برده شدن قریب یک میلیون تومان وسایل داخل مقر برای سازمان پیکار تمام شد.

— خلع سلاح، دستگیری و کتک زدن هواداران رزم کارگر — توفان سابق — در اطراف سقز در سال ۵۹.

— خلع سلاح، دستگیری و کتک زدن هواداران رزمندگان در روستاهای اطراف بوکان در سال ۶۰. — به آتش کشیدن علنی و آشکار دهکده های سازمان وحدت کمونیستی، راه کارگر، رزمندگان در بوکان، در فروردین ۶۰.

این ها چند نمونه از عملکرد های "دموکراتیک" حزب بشمار می روند. وگرنه در سال هجری ۵۸ و ۵۹، سراسر کردستان بارها و بارها شاهد دستگیری، خلع سلاح، کتک زدن، تهدید، توهین و اذیت و آزار هواداران و پیشمرگان کومه له توسط حزب بوده است. اگر هیچیک از این ها را در نظر نگیریم و خود را به درگیری های عمده منجر به تلفات محدود کنیم باید به چهار درگیری اشاره کرد:

۱- در فروردین ۶۰، طی يك برنامه با تدارك قبلی، حزب دموکرات مسبب يك درگیری عمده با کومه له شد. درگیری بمدت سه روز تمام در منطقه مهاباد ادامه داشت و تعدادی از افسران طرفین کشته شدند. حزب سنا در منطقه مهاباد قوی بود و نیروی زیادی در این منطقه داشت و علاوه بر این ها، بروی پشتیبانی مردم منطقه حساب می کرد. ولی در عمل تمام این محاسبات اشتباه درآمد و حزب، شکست عمده ای خورد: ۷ تا ۱۰ کشته، تعدادی زخمی، برجا گذاشتن چهل قبضه اسلحه سبک و سنگین. و سی تن از افراد آن بدست کومه له اسیر شدند.

۲- در تیرماه ۶۰، حزب با گرد آوردن نیروی بزرگی از مناطق جوانرود، پاوه، کرمانشاه، مریوان و اورامان، و متمرکز کردن آن ها در کامیاران حمله جدیدی به کومه له را آغاز کرد. يك ماه قبل از درگیری تقریباً همه می دانستند که حزب حمله بزرگی را آغاز خواهد کرد. درگیری به مدت ۲۰ روز ادامه یافت. نیروهای کومه له توسط باقیمانده پیشمرگه های پیکار تقویت شده بود. حزب در این درگیری نیز پیروزی مورد نظر خود را بدست نیاورد.

قابل ذکر است بدنبال این درگیری بود که رژیم توانست مناطق وسیعی از کردستان را اشغال کند که هنوز هم در دست دارد.

آنچه در فوق نقل کرده ایم، همانطوری که گفته شد، با استفاده از یادداشت های يك رفیق کرد تهیه شده است، تا آنجا که ما اطلاع داریم مورد تکذیب حزب قرار نگرفته است فقط در برخی از موارد، حزب با عذرهای بدتر از گناه، به خیال خود موضوع را توجیه کرده است. مثلاً در مورد کشتن و زخمی کردن و به اسارت گرفتن تعدادی از رفقای پیکار، حزب در همان ایام گفته بود کسیه این ها از دموکراسی و آزادی بوجود آمده توسط حزب استفاده می کنند و بسه حزب "فحش" می دهند. چه گهران نعمتی! اگر حزب می توانست تمام مطالب فوق را، طبق معمول، "تکذیب" کند لااقل ما چگونه می توانیم قبول کنیم که خواب دیده ایم و حزب، ده که سازمان وحدت کمونیستی در بوکان را به آتش نکشیده است؟

بهر تقدیر، درباره دو درگیری دیگر حزب و کومه له (که در زیر نقل می شود)، حزب روایت دیگری ارائه می دهد. ما در آغاز، نوشته آن رفیق کرد را در مورد این دو درگیری می آوریم و سپس روایت حزب را (که مدعی است کومه له مسبب هر دو درگیری بوده) نقل می کنیم:

۳- در مرداد ۶۱، منطقه مهاباد، بار دیگر، شاهد عملیات حساب شده و تدارك دیده شده حزب علیه کومه له بود. پس از انجام مذاکرات نمایندگان حزب و کومه له - به مناسبت اختلافی که بین حزب و کومه له بوجود آمده بود -، وقتی که سه نماینده کومه له مراجعت می کردند از پیشست و در فاصله ۲۰ متری توسط رگبار مسلسل افراد مسلح حزب از پای درآمدند بتحوی که اجساد آن ها قابل شناسائی نبود. متعاقب این واقعه، درگیری هایی بین حزب و کومه له به وقوع پیوست کسیه دامنه آن ها به مناطقی از بوکان هم کشیده شد.

۴- بدنبال مذاکرات متعدد و رسیدن بنوعی تفاهم، يك درگیری در اواخر بهار ۶۲ در منطقه سردشت بین حزب و کومه له بوجود آمد. حزب بدون هیچ اختلاف مشخص قبلی، به چادر غیر نظامی کومه له - چادر پیشمرگان کمیته روستائی و غیره -، حمله کرد. پنج تن از پیشمرگان کومه له جان خود را از دست دادند.

اما روایت حزب دموکرات درباره این دو درگیری اخیر الذکر و نیز درگیری در منطقه مریوان - که

در تمام این موارد مدعی است که کومه له مسئول آغاز آن ها بوده است . حزب دموکرات در مقاله ای در "کوردستان" (شماره ۱۰۲) ، بهنگام پلیمیک با مقاله عبدالله مهتدی در "کمونیست" (اشاره شده در زیر نویس شماره ۱۲) ، می نویسد :

"عبدالله خان ، دبیر کل "حزب کمونیست" ، در گذشته (۰۰۰) با افتخار اعلام می کرد که خود شخصا یورش به مقر حزب در روستای "درمان" واقع در منطقه مهاباد در تابستان ۱۳۶۱ را دستور داده است ! عبدالله خان که اینهمه دروغ پشت سر هم قطار می کند و در عین حال نمی تواند یا نمی خواهد به درگیری های شخصی میان حزب و کومه له (۰۰۰) اشاره ای بکند ، بخاطر آنست که می داند مقصد ، پیشمرگان کومه له بوده اند . او می داند که در روستای "تسا" این مسئولان کومه له بودند که مسئول کمیته شهرستان کرمانشاه و چند نفر مسئول دیگر حزب را محاصره کردند و متأسفانه باعث بروز يك سلسله درگیری ها گشتند که طی آن چندین پیشمرگ از هر دو طرف شهید شدند (۰۰۰) . همانطور که وی [عبدالله مهتدی] می داند در منطقه مهاباد ، چگونه پیشمرگان کومه له مینی بوسی را مورد حمله قرار دادند که سر نشینان آن را اکثراً مردم بیطرف تشکیل می داد و تنها چند نفری از اعضا ، حزب در میان آن ها بودند . او از این آگاه است که در زرد و خورد منطقه "سویسنایه تی" سردشت در سال ۶۲ ، ابتدا پیشمرگان کومه له بودند که معاون فرمانده معینی را شهید کردند . به این علت است که هیچ کدام از این ها را بعنوان نمونه نام نمی برد ."

حزب دموکرات در برنامه رادیویی مورخ ۶۳/۹/۱۱ تحت عنوان "چند سؤال در مورد رفتار کومه له" (منتشره در همان جزوه ای که در زیر نویس شماره ۵ به آن اشاره کرد ایم) ، با مقداری عوامفریبی - در رابطه با مسجد و پیشنهاد و قرآن و غیره - در مورد مسئولیت درگیری مریوان چنین ادعا کرده است (که این ادعا مورد تنگنای کومه له قرار نگرفته) :

"کومه له در روز ۲۱ آذر ماه سال ۶۲ در روستای "گلیه" مریوان بخاطر يك مسئله بسیار جزئی ، مرتکب چنان جنایتی شد که حتی تصور آن نیز حیرت آور است و لرزه بر اندام هر انسان با احساسی می اندازد . در آن روز ۵ پیشمرگ حزب که ۳ نفر آن ها را کومه له با حيله در داخل مسجد ود و نفر دیگر را که زخمی بودند اسیر کرده بود ، به فجیع ترین شیوه اعدام نمود . این شهید عبارت بودند از : ۱- محمد میرزا فرجی ، که قبل از اعدام با ضربه تبر از ناحیه سر زخمی و بی هوش شده بود . ۲- رحیم ابراهیمی ، فرمانده دسته نیروی "زربوار" مریوان . ۳- صالح سعید زاده . ۴- حسین یعقوبی . ۵- محمد سعید مرادی معروف به شاهو مرادی ."

ساکنان روستای "گلیه" با مشاهده افراد کومه له که قصد اعدام سه نفر اولی (یعنی ۰۰۰) را داشتند به همراه پیشنهاد روستا و با در دست گرفتن قرآن بسوی افراد کومه له می شتابند تا از اعدام پیشمرگان مزبور ممانعت نمایند . اما افراد کومه له آن ها را نیز بشدت مورد ضرب و شتم و هتاک قرار می دهند و سپس در همانجا و در جلوی دیدگان اهالی روستا هر سه پیشمرگه مزبور را شهید و اجساد پاک آن ها را در فاضلاب روستا می اندازند و تا عصر همان روز به هیچ کس اجازه نمی دهند تا لااقل اجساد را از فاضلاب خارج سازد . گویا می خواست با این شیوه کمونیست بودن خود و نحوه سرکوب بورژوازی را به مردم نشان دهد . و اما دو نفر دیگر (یعنی ۰۰۰) نیز همچنان که ذکر آن رفت به حالت زخمی توسط افراد کومه له تیرباران می گردند ."

زمینه ها و ریشه های درگیری های اخیر کردستان

"سازمان چریک های فدائی خلق ایران" (اقلیت) که تا جندی پیش، علی رغم این که حزب دموکرات هم پیمان مجاهدین در شورای ملی مقاومت بود، از مواضع حزب (بویژه در مقابل کومه له) حمایت می کرد ولی اکنون با انگیزه هایی که تمام جهات آن ها برایمان هنوز روشن نیست (شاید یکی از آن ها، نزدیکی بیشتر راه کارگر، در این اواخر، با حزب باشد)، از آن "حمایت" قبلی دست کشیده، از هر دو طرف (یعنی از حزب و کومه له، نه مثل گذشته فقط از کومه له)، انتقاد می کند. انگیزه های رفتاری اقلیت در سیاست جدیدشان هر چه باشد (امدواریم که انگیزه هایی سالم بوده، تضید "از بعضی معاویه نه از حب علی" صدق نداشته باشد)، از حق نمی توان گذشت که "سازمان چریک های فدائی خلق ایران" بویژه شاخه کردستان آن، از آغاز درگیری های جدید، از ۲۵ آبان ۶۳ تا به امروز، در اعلامیه ها، اطلاعیه ها، مقاله ها و گزارش هایی که مسامیده ایم، از نادرسازمان های سیاسی است که مواضع درست و اصولی در زمینه این درگیری های مسلحانه اتخاذ کرده است. پیداست وقتی که ما از "مواضع درست و اصولی اقلیت" صحبت می کنیم، این امر فقط محدود است به محکوم کردن اصل درگیری های مسلحانه و طرف و پیشنهاد راه حل سیاسی برای رفع اختلافات از جانب اقلیت، و نه محکوم کردن شیوه ها و عملکرد هئای سرکوبگرانه، زور مدارانه و قلدر منانه دوسازمان، که پایه اساسی مقاله حاضر را تشکیل می دهد، چرا که اقلیت خود از طرفداران پروپاقرص همین شیوه ها و عملکردهاست. وقایع سیت پاریس، لندن و غیره جث نمونه از این شیوه ها و عملکرد های اقلیت در برخورد با مخالفان سیاسی خسود است (در باره واقعده اول سیت پاریس مراجعه کنید به شماره ۲ اندیشد رهائی: "چهره ایوزیسون در آئینه - جنگ طبقاتی در سیت پاریس") ما هشداد اقلیت بد مجاهدین در رابطه با مهندی سامع "خائن" در مورد "تکثیر انتشار نشریات با نام و آرم سازمان ما" را فراموش نکرده ایم کسه

در آن این اخطار بچشم می خورد: "از هم اکنون اعلام می کنیم ما با هر کس این نشریات را پخش کند، شدیداً برخورد خواهیم کرد" (ریگای گدل، شماره ۱۰، مورخ شهریور ۶۳). و نمونه هائی از این گونه موارد فراوان می توان ارائه داد. بحث ما در اینجا تشابه در بینش و منشش و روش و یک تفکر عقب مانده در زمینه اختلافات سیاسی و در برخورد با مخالفان سیاسی است، نه وسیله. چرا که مثلا درگیری های غیر مسلحانه (یا با سلاح سرد) و بهم زدن جلسه ها و غیره در یک شرایط "مساعد" مانند کردستان براحتی می تواند به درگیری های مسلحانه (یا با سلاح گرم) تبدیل گردد و یا مثلا چماق با مسلسل تعویض شود. باری، با شناخت از اقلیت و علی رغم توجه به تمامی نکات اشاره شده در فوق است که از اتخاذ مواضع درست و اصولی اقلیت در زمینه درگیری های اخیر کردستان سخن می گوئیم. زیرا که همواره بر این اعتقاد بوده ایم که باید با تنگ نظری های غالب بر جنبش سیاسی ایران مقابله کرد بدین مفهوم که در کنار نقد نظریات و عملکردهای انحرافی و کج اندیشی های سازمان های سیاسی (بویژه سازمان های چپ) ایران، هر کجا که نکته یا نکات مثبتی وجود داشت باید گفت و حتی برجسته کرد و از تعبیر و تفسیرهای نادرست و غیر واقعی واهمه نداشت.



با این مقدمات بر می گردیم به موضع گیری اقلیت در زمینه درگیری های اخیر حزب دموکرات و کومه له. اقلیت، از بدو درگیری های جدید در کردستان، حملات مسلحانه و غیر مسئولانه و طرف را محکوم کرده. راه حل سیاسی را بعنوان راه حل درست رفع اختلافات شناخته، گامهای عملی در این راه برداشته است. از جمله می توان دعوت شاخه کردستان آن سازمان از کمیته مرکزی کومه له و دفتر سیاسی حزب دموکرات برای یک "جلسه مشترک" در ۹ بهمن ۶۳ بمنظور "قطع فوری درگیری ها و جلوگیری از گسترش آتی آن ها" و برای "رسیدن به یک راه حل عملی مشخص و عاجل" را نام برد. قابل ذکر است که حزب دموکرات در روز نهم بهمن در آن جلسه حضور نیافت و دفتر سیاسی در جواب نامه دیگری از شاخه کردستان اقلیت در روز دهم بهمن بطور کتبی، آن پیشنهاد ("جلسه مشترک") را رد کرد با این بهانه که "درگیری در اورامانات کاملاً به پایان رسیده (!) و چگونگی موردی برای بحث با کومه له ندارد ضرورتی برای نشست مشترک نمی بیند" (مراجعه کنید به "دومین اطلاعیه کمیته کردستان سازمان چریک های فدائی خلق ایران در باره اقدامات جهت جلوگیری از گسترش درگیری های اخیر اورامان"، ده بهمن ۶۳).

از طرف دیگر، موضع اقلیت در محکوم کردن حملات مسلحانه و طرف به هر دو طرف، بویژه به "حزب کمونیست ایران" گران آمده است. "حزب کمونیست ایران" بارها از آن بعنوان "بین دو صندلی نشستن" نام برده است. چه بسا که همین رفتارها را هم با همان "دو صندلی" محکوم کنند. چه باک! ولی قبلاً باید به رفقای "حزب کمونیست ایران" تذکر داد که شما این اصطلاح فرانسوی را هم نادرست و هم نابجا بکار می برید. نادرست است چرا که مفهوم آن، در موردی که شما بکار می برید، موضع متزلزل و ناپایدار داشتن است. نابجا است به این دلیل، کسانی که درگیری های مسلحانه و طرف را محکوم کنند "بین دو صندلی" ننشسته اند بلکه در مقابل دو صندلی ایستاده اند و با صدای رسا به هر دو طرف می گویند که صندلی ها (هر

دو صندوقی (اشتباه کرده اند و متاسفانه همچنان به اشتباه خود ادامه می دهند .



بهر تقدیر، يك اقدام قابل توجه یا گام مثبت شاخه كردستان اقلیت ، بعد از شروع دور جدید درگیری های مسلحانه در كردستان ، تهیه گزارش مستندی است در زمینه انگیزه های درگیری جدید : پس از حمله حزب دموکرات به کومه له در ۲۵ آبان ۶۳ ، سازمان چریک های فدائی خلق (شاخه كردستان) هیأتی را برای بررسی علل و ریشه های این درگیری به منطقه اعزام داشت . این هیأت پس از تماس با مسئولان و پیشمرگان حزب و کومه له و پس از گفتگو با مردم منطقه ، گزارشی را تهیه کرد که در شماره ۲۵ "ریگای گه ل" مورخ آبان ۶۳ منتشر گردید .

ما این گزارش را از این جهت در اینجا مورد توجه قرار داده ایم که اولاً دوطرف درگیر، در باره ریشه ها و انگیزه های درگیری های جدید سکوت کرده اند (اشاره بسیار گذرا و " تلگرافی " نمایندگان کومه له در هیأت تحقیق " - مراجعه کنید به ضمیمه شماره ۱ - چیسری در حد سکوت است) ، ثانیاً همانظوری که گفته شد ، ضمن تماس مستقیم با مسئولین و پیشمرگه های دوسازمان ، گفتگو با مردم محل و مشاهدات عینی، تهیه شده ثالثاً ، و مهمتر از همه ، موضع غیر جانبدارانه ای دارد . جا داشت که این گزارش یا بخش عمده آن در این ضمیمه نقل شود ولی متاسفانه بخاطر مفصل بودن گزارش (۱۵ صفحه کامل "ریگای گه ل" ، به قطع ۲۰×۲۱) و نیز بخاطر بیش از حد طولانی شدن این مقاله (و نشریه) چنین امکانی وجود ندارد و در اینجا از خوانندگانی که بخواهند در زمینه ریشه ها و انگیزه های درگیری مسلحانه جدید ، واقعیت را در ورای هایهوی تبلیغاتی دوطرف درگیر ، دنبال کنند مطالعه آن را توصیه می کنیم . علاوه بر این ، این گزارش ، نکات تکان دهنده ای نیز در رابطه با مسایل مطروحه در مقاله حاضر در بر دارد ، از جمله :

— بر اساس تماس با مردم محل ، مشاهدات عینی تهیه کنندگان گزارش ، اعدام لاقط چهار نفر از پیشمرگه های کومه له (بنام های مجید ، ربیوار ، علی و طلیمه که جز نفر آخر بقیه دست بسته مشاهده شده اند) توسط حزب دموکرات کاملاً محرز است . مردم نوسود شهادت داده اند که در دره هرات (محل کشف جسد چهار نفر) هیچ گونه درگیری وجود نداشته و تهیه کنندگان گزارش نیز با بازرسی محل ، هیچ نشانه درگیری (آثار گلوله بر درخت ، سنگ ، دیواره پسل و غیره) مشاهده نکرده اند .

— بر اساس شهادت مردم محل و تحقیقات و مشاهدات تهیه کنندگان گزارش ، پس از پایان درگیری ، افراد حزب دموکرات دوتن از افراد کومه له بنام های شیخ علی و فرح را که در داخل چادر درمانگاه کومه له مانده بودند (" شیخ علی زخمی بوده و توانائی رفتن نداشت و فرح در حال مداوای او بوده ") ، " از فاصله بسیار نزدیک " به " رگبار بسته و سپس جسد آن ها را به همراه چادر درمانگاه با استفاده از نفت چراغ موجود در چادر که بر اثر اصابت گلوله ، نفت آن به بیرون شست کرده بود و با بریدن دوطناب دوطرف ورودی چادر به آتش کشیده اند " . حتی " بنا به گفته (س) پیشمرگه حزب که در مقر کومه له اسیر بود " ، " بعد از پایان درگیری یعنی حدود ساعت یازده " صبح ، چادر درمانگاه کاملاً سالم بوده و کلیه ساختمان های مقر کومه له علی رغم این که مورد اصابت آرپی جی قرار گرفته بود ، دچار حریق نشده بودند .

— "کلیه شواهد عینی نیز این مسئله را کاملاً تأیید می‌کند که ساختمان های مقرکومه له (اتاق کمیته، اسلحه خانه، اتاق بیسیم و ۰۰۰ که وسایل آن ها قبلاً تخلیه شده است) نیز ابترسد تخلیه گردیده و سپس با نفت آتش زده شده اند."

در اینجا تاسف ما بر اینست که رفقای شاخه اقلیت کردستان نظیر چنین گزارش مستندی در باره ۶ بهمن تهیه نکرده اند و اگر تهیه کرده باشند تا کنون به چاپ نرسانده اند. اهمیت فوق العاده این امر از این بابت است که بر رویه دیگری از این فاجعه، نور می‌پاشد.

باری گزارش چاپ شده در "ریگای گه ل" مربوط به وقایع ۲۵ آبان اورامانات، حاوی مطالب زیر است:

۱- مقدمه (وضعیت عمومی منطقه)

۲- زمینه ها و علل درگیری

الف- مسائل مورد اختلاف

ب- برخورد های متقابل و سابقه درگیری در منطقه

۳- چگونگی درگیری

الف- در قله لوه ز

ب- در نوسود

ج- در شویشمی

۴- برای درگیری ۲۵ آبان ماه آمادگی قبلی وجود داشت؟

۵- در خاتمه (وضعیت بعد از درگیری اخیر)

نشریه "ریگای گه ل" در مقدمه ای به گزارش رفقای اعزامی به اورامان، از جمله چنین می‌نویسد:

"۰۰۰ بنا به مصالح جنبش از درج کامل و جزء به جزء گزارش هیات خود داری نموده و تنها به انتشار خلاصه ای از آن اکتفاء می‌کنیم" (تاکید از ماست).

ما نمی‌دانیم معیار تشخیص رفقا در "مصالح جنبش" چیست؟ مصالح تصویری جنبش است یا مصالح واقعی آن؟ مصالح آتی جنبش است یا مصالح دراز مدت آن؟ ولی به تجربه دریافته ایم که در پشت سر این "مصالح جنبش"، غالباً سرپوش گذاشتن بر واقعیت های تلخ نهفته است. آیا بهتر است با داده های مشخص با شناخت از واقعیت های موجود (هر چند تلخ) حرکت کرد و در جهت تغییر شرایط آن کوشید یا این که پایه های "تحلیل" خود را بر آب یعنی بر رویا ها و ذهنیات بنا کرد و گمان برد که با پیرواز در آوردن مرغ خیال، بر فراز واقعیت های عینی، همه چیز دگرگون شده است یا بزودی می‌شود، به کمال مطلوب رسیده ایم یا در حال رسیدنیم. قبلاً از قول دبیر کل "حزب کمونیست ایران"، عبدالله مهدی، در شماره ۱۵ نشریه "کمونیست" دیده ایم که گویا "پرولتاریا در کردستان"، "رشد" کرده است. آیا واقعاً خیال می‌کنیم که با این شعارها، کوره های خشت زنی در برخی از شهر های کردستان بصورت کوره های ذوب آهن در می‌آیند و لوله های بخاری خانه های محقر روستائی به دودکش های عظیم کارخانه های صنعتی تبدیل می‌شوند؟ واقعاً کی را می‌خواهیم گول بزنیم: مردم کردستان را، دیگران را یا خودمان را؟

از بس بخاطر اصطلاح "مصالح جنبش" از کنار واقعیت ها رد شده و یا چشمان خود را بر آن ها بسته ایم که مثلاً می‌بینیم در باره جنبش کردستان و در باره د و نیرو عمده رزمنده آن، خلیسی

بد و کم می‌دانیم. به همین واقعۀ درگیری‌های اخیر حزب و کومه له نگاه کنید. چهار ماه است که تمامی دستگاه‌های تبلیغاتی حزب دموکرات، کومه له و حزب کمونیست براه افتادند تا به ما بقبولانند که این درگیری‌ها بخاطر دفاع از "دموکراسی" و یا بخاطر دفاع از "پرولتاریای انقلابی" صورت گرفته است. هر فردی که بخواهد مرعوب یا مجذوب این هایشوی و قیل و قال‌های تبلیغاتی پیچ نشود و از ورای آن‌ها به جستجوی واقعیت بپردازد، وحشت زده در می‌یابد که درگیری کنونی دوسازمان که امروز سر تا سرگردستان را در بر گرفته است و تا کنون لااقل ده‌ها کشته از هر دو طرف برجا گذاشته است با این بهانه و انگیزه آغاز شد که کومه له می‌خواست بر خلاف تصمیم حزب، دواخانواده را به پناه بفرستد و حزب مخالفت با این امر را "حق" خود می‌دانست. اگر فرضاً قضیه عکس می‌بود آیا در اصل آن تغییری می‌داد؟ اگر حزب فرضاً تصمیم می‌گرفت همان دو نفر را به پناه بفرستد آیا کومه له "حق" خود نمی‌دانست که بعنوان قدرت نمائی با این تصمیم مخالفت کند؟ ما در اینجا از بهانه و انگیزه‌های درگیری ۲۵ آبان صحبت می‌کنیم و این درگیری حتی می‌توانست دو ماه قبل هم آغاز شود در زمانی که حزب با واگذاری باغ‌رضی بنام سلطه (کشورش جاش است به مادر یکی از پیشمرگه‌های کومه له بنام ادیس محمدی (که در درگیری‌های اخیر کشته شد) مخالفت کرد و گفت باغ دیگری را به او اجاره می‌دهد. و اگر این درگیری در ۲۵ آبان (به بهانه رد کردن یا نکردن دواخانواده) آغاز نشده بود يك یا چند ماه دیگر به بهانه ای دیگر (و از این نوع "بهانه‌ها" در گردستان در روابط حزب و کومه له فراوان است)، آغاز می‌گردید. بهانه‌ها و انگیزه‌ها را نیز که کنار بگذاریم و به ریشه این درگیری (و درگیری‌های گذشته دوسازمان) بپردازیم، به همان نکته ای می‌رسیم که قبلاً تأکید کرده ایم: اعمال "حاکمیت" يك سازمان (عمدتاً حزب دموکرات) ونفی این "حاکمیت" از طرف سازمان دیگر و يك کلمه قدرت نمائی و نیز "سرمایه - گذاری" برای آینده. اگر ریشه‌های عمیق تر را جستجو کنیم باید آن‌ها را در مصایب مبتلا به جوامع عقب مانده یافت. آسان است که نام "دموکرات"، "کمونیست" و یا هر چیز دیگر بر خود گذاشت و مشکل است که مرده ريك آن مصایب را با خود حمل نکرد.

باز گردیم به گزارش هیات اعزامی از طرف سازمان چریک‌های فدائی خلق (شاخه گردستان) چاپ شده در "ریگای گل"، قبلاً بخشی از مقدمه این گزارش تحت عنوان "وضع عمومی منطقه" را نظر به اهمیتی که در رابطه با درگیری‌های اخیر دارد و بویژه روشننگری از مسائل مطروحه در مقاله حاضر است، ذکر می‌کنیم:

"منطقه مورد نظر یعنی اورامان که محل درگیری پیشمرگان حزب دموکرات و کومه له در بیست و پنجم آبان ماه بوده، به بخشی از اورامات اطلاق می‌گردد که هم اکنون آزاد بوده، و تحت کنترل پیشمرگه است. این منطقه بسیار محدود بوده و از وسعت و جمعیت زیادی برخوردار نیست و کلاً منطقه ای را در بر می‌گیرد که از چهار طرف بین پایگاه‌های ایران و عراق محاصره گشته است و از طریق همین پایگاه‌ها نیز منطقه مدام زیر آتش توپخانه مذکور قرار دارد و در طول چند سال گذشته مردم منطقه بیشترین آسیب جانی و مالی را از این رهگر متحمل گشته‌اند.

مردم این منطقه علی‌رغم وضعیت نا بسامان آن چه بدلیل این که در تیررس پایگاه‌های دو طرف قرار دارند و چه بدلیل این که عملاً امکان رفت و آمد آزادانه به هیچ کدام از مناطق تحت کنترل پایگاه‌های ایران و عراق را ندارند، دچار مشکلات مضاعفی در زمینه‌های مختلف

از جمله از جهت فروش محصولات خود و تهیه مایحتاج اولیه زندگی بوده و هستند .

زندگی اکثریت مردم منطقه از طریق تولید محصولات کشاورزی و فروش آن ها از قبیل عمدتاً انار، گردو، انگور و سقز (بنیشت به زبان محلی) و غیره می گذرد که در چند سال گذشته، خود فروش همین چند قلم محصول کم درآمد و تهیه وسائل زندگی بخور و نمیر بدلیل محاصره اقتصادی و نظامی کامل منطقه مشکل بزرگ اهالی بوده و هست . این کار اغلب یا از طریق راه های قاچاق و غیره صورت می گیرد که خود خالی از خطر نبوده و نیست یا از طریق عرضه محصولات یاد شده به قیمت نازل به کسانی که بعنوان واسطه عمل می کنند و تحویل اجناس مورد نیاز در مقابل، باز هم از همان اشخاص به قیمتی به مراتب گرانتر صورت گرفته و می گیرد .

بطور خلاصه آنچه که در مورد وضعیت منطقه مورد نظر و وضعیت مردم آن می توان گفت در مجموع علی رغم آزاد بودن اورامان این منطقه بیشتر به یک اردوگاه، با وسعتی کم و بی بیش زیاد شبیه است، با این تفاوت که مردم آن هر لحظه در معرض تهدید توپ و خمپاره و گوله باران پایگاه های ایران و عراق قرار دارند و ضمن بسر بردن در فقر مزمن، از سطح زندگی و رشد اقتصادی - اجتماعی بسیار نازلی برخوردارند و عمدتاً روابط عقب مانده و سنت های عشیرتی بر زندگی آن ها حاکم است و از سطح آگاهی بسیار پائینی برخوردار هستند . و مدت مدیدی است (بعد از شروع جنگ ایران و عراق) که دنیای آن ها تنها بسط شهر نوسود و چند آبادی ویران و نیمه ویران منطقه محدود گشته است . آن ها هیچگونه اطلاعی از اقوام و آشنایان خود که به خارج از منطقه کوچ کرده اند ندارند .

مردم منطقه نه تنها از نظر فرهنگی بلکه در تمامی زمینه ها نیز در همان وضعیت قبلی باقی مانده اند و هیچگونه نشانه ای از رشد فرهنگی در میان نبوده و مردم شدیداً مذهبی و درگیر روابط و مناسبات حاکم بر تمامی عرصه های زندگی فقیرانه شان هستند . از نظر سیاسی اگر چه همانند سایر مناطق عقب مانده با برخی واژه ها از قبیل دموکراسی، خود مختاری و کمونیسم و ... تا حدودی آشنائی دارند ولی درك روشنی از آن ها ندارند . در مجموع می توان گفت منطقه اگر چه در طول دوران بعد از قیام آزاد محسوب می گردیده، از نظر سیاسی رشد چندانی نکرده است .

بر اساس گزارش فوق الذکر :

سال ها است که حزب دموکرات در این منطقه کوچک دارای حاکمیت بلامنازع است . تشکیلات اورامان حزب، قوانین و مقررات خاص خود را وضع و اجراء می کرد . از جمله این مقررات می توان کنترل رفت و آمد به منطقه (از نوسود به پاوه و بالعکس) را نام برد . حزب عملاً این راه را مسدود و رفت و آمد به منطقه را ممنوع کرده است . و برای این کار دلائلی ارائه می دهد از جمله :

"ممکنست رژیم از طریق این رفت و آمدها، شبکه جاسوسی در منطقه ایجاد نماید یا جاسوس بفرستد یا افرادی که رفت و آمد می کنند نقشه و وضعیت نظامی منطقه را در اختیار رژیم بگذارند" .

دلیل ممنوعیت خروج افراد منطقه به مناطق تحت کنترل رژیم اینست : "اکثراً افرادی که از منطقه خارج می گردند برای رژیم اسلحه بر می دارند" .

تا بهار ۶۳ که پای کومه له به منطقه نرسیده بود، قوانین و مقررات حزب قطعی و لازم الاجراء بود . ولی کومه له از همان آغاز ورود خود به منطقه در مقابل قوانین و مقررات وضع شده توسط

حزب قد علم کرد . از یکطرف ، حزب "حق" خود می دانست که بر اعمال "حاکمیت" خود در منطقه ادامه دهد و از طرف دیگر ، کومه له بطرق مختلف می کوشید که در جهت نفی این "حاکمیت" گام بردارد . همانطوری که گفته ایم ، دوطرف ، بارها (قبل از ۲۵ آبان) تا حد درگیری مسلحانه پیش رفتند و اگر ماجرای ۲۴ آبان (که بعثت باران آمدن به ۲۵ آبان موکول شد) پیش نمی آمد ، بی تردید کمی دیرتر اتفاق می افتاد . در همان گزارش چنین می خوانیم :

"مسائل مورد اختلاف حزب و کومه له را در منطقه اورامان عمدتاً مسائل مربوط به چگونگی اداره منطقه در تمامی زمینه ها تشکیل می دهد . حزب با توجه به فعالیت خود در منطقه و نیرو و امکانات خود ، خود را نیروی حاکم محسوب می دارد ؛ از سوی دیگر ، کومه له در جهت نفی این حاکمیت به طرق گوناگون و با طرح مسائل جدیدی در تمامی زمینه ها دست یازید ."

بعنوان نمونه : کومه له اصرار داشت که با غزنی بنام سلطه که شوهرش جاش بود به مادر ادریس محمدی (پیشمرگه کومه له که در درگیری اخیر کشته شد) اجازه داده شود و این درخواست با مخالفت حزب مواجه گردید .

اما سرچشمه آغاز درگیری جدید حزب و کومه له از این هم رقت انگیز تر است . در همان گزارش چنین می خوانیم :

"روز ۲۴ آبان ماه دو نفر می خواهند با خانواده هایشان به پاوه بروند و از پیشمرگان حزب می خواهند که به آن ها اجازه خروج از منطقه بدهند . پیشمرگان حزب به آن ها می گویند چرا در مهلت تعیین شده (یعنی از ۱۳ تا ۱۴ آبان ماه که خروج از منطقه [تحت فشار کومه له] آزاد اعلام شده بود) یا به گفته عضو کمیته مرکزی و مسئول تشکیلات اورامان حزب دموکرات "ما مجبور به عقب نشینی شدیم" [نرفتید و با رفتن آنها مخالفت می نمایند . در همین حین پیشمرگان کومه له که در میدان شهر (که طبق عادت معمول مردم و پیشمرگان در دوطرف جمع می شوند) حضور داشتند و به آن دو نفر می گویند ما شمارارد می کنیم . بر سر رفتن یا نرفتن این دو نفر در عصر همان روز درگیری لفظی بین پیشمرگان حزب و کومه له در می گیرد که منجر به سنگر گیری طرفین می گردد . و در مقابل پیشمرگان کومه له که با آن ها قرار برای رد کردن از قله لوه زمی گذارند . پیشمرگان حزب (یکی از اعضای کمیته شهرستان حزب) می گوید که اگر فردا شما (منظور دو نفر مذکور است) به پاوه بروید آتش بیا می کنیم و بدنبال آن سخنانی مبنی بر سر دامن زدن به چنین آتشی (به این شکل " ما هم روی آتش بنزین می ریزیم " از طرف ادریس پیشمرگه کومه له) از سوی پیشمرگان کومه له گفته می شود که در مجموع جو متشنجی را دامن می زند ."

صبح روز بعد ، در ۲۵ آبان ، حزب دموکرات (به هنگام رد کردن دو خانواده تسوسسط کومه له) ، قول خود " آتش به پا " کردن را عملی می سازد . و در ۲۶ بهمن ، کومه له نیز به سوی آن " آتش بنزین " می ریزد .

وده ها تن طعمه حریق این خود خواهی ها و قدرت نمائی های حقیر می گردند . و مردم زحمتکش و محروم کرد ، متحیر و بغض در گلو ، به این آتش سوزی های هولناک خیره می مانند ؛ اگر به فرزندان و یاران نتوان امید بست پس به چه کس باید اعتماد کرد !